

سیم

فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

ناگفته های آشکار
چه باید کرد
فرهنگ و توسعه اقتصادی
چایخانه

محمد طاری پدر روز نایزم افغانستان

آگوستین
سمبولیسم
به نقل از اینترنت
علمی و ...

خواسته
خواسته
خواسته
خواسته

خواسته
خواسته
خواسته
خواسته



لک سریعی



فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی

سال اول، شماره سوم

در این شماره می خوانید

۲	آغازین کلام
۳	چه باید کرد؟
۵	ناگفته های آشکار
۶	قاره کهن کمی جدیدتر میشود
۷	فرهنگ سیاسی
۸	فرهنگ و توسعه اقتصادی
۱۱	اکزیستانسیالیسم
۱۳	ستون آزاد
۱۸	شعر
۱۹	کجاوه سخن
۲۰	آشنایی با مکتبهای ادبی (سنبولیس، ه)
۲۱	خراب المثلهای جهان
۲۲	با فرزانگان (محمود طرزی)
۲۴	چایخانه
۲۶	آگوستین
۲۷	تبلور اندیشه
۲۸	علمی
۳۰	به نقل از اینترنت
۳۲	داستان کوتاه



صاحب امتیاز: انجمن فرهنگی تبلور اندیشه

مدیر مسئول: سید سلیمان حسینی

ssulaimanhossainy@gmail.com

سردایر: سید نقی موسوی

Sayyednaghi_moosavi@yahoo.com

هیئت تحریریه:

ام البنین میرزایی، رقیه قربانی، معصومه ناصری،

محمد تقی موسوی، ظفر علی علیزاده

گرافیک و صفحه آرایی: موسوی، حسن نوری، زهرا میرزایی

همکاران این شماره:

حسن نوری، سید محمد حسینی، زهرا میرزایی،

حیدر رضوی، خانم جوادی، اصف حسینی، کمال

الدین موسوی، حسین زینی وند، هادی مجتبایی

Web Site: www.tabalwir4t.com

نشریه تکمیلی
کتابخانه ای کارلا میکل و ازاد من باشد
کتابخانه مختلف و پژوهشگران و صاحبان کلمه
دیگر به هستکاری می نمایند و از مقالات ارسالی
استقبال می کنند
کتابخانه ویرایش مطالب ارسالی برای نشریه حقوق
کتابخانه ویرایش مطالب ارسالی برای نشریه حقوق
است.
کتابخانه انتشار یافته سروی بهتری دیدگاه نشریه
نمی باشد.
کتابخانه ارسالی بازگردانه نمی شود.



سازمان



هیچ فدای نیست هزاو، هزاو هیچ نیست

یاران و همراهان سلام، امینواریم که سلام مارا حمیطانه «علیک» گوید و این شماره نیز با ما همراه باشد و مارا از نظرات و انتقادات و همفکری خود بی نصیب نگذارد.

همه شاهد بودیم که ملت شریف افغانستان گام اول در مسیر پیشرفت، تو شدن، ترقی و تحول را با موقیت و سربلندی برداشتند و باحضور پرشور خود در انتخابات به همگان ثابت کردند که مردم افغانستان بی تبانه در انتظار دین افجهای زیبایی هستند که سالها از آن محروم بودند و برای رسیدن به سرمتری مقصود، آمادگی و استیاق بسیار دارند و همه با هم و در گلزار یکدیگر به سوی این هدف مقدس حرکت خواهند کرد. در این انتخابات معلوم شد که تعصبات و معیارهای قومی ناحدی رنگ باخته است، برخلاف آنچه که تصور می شد و پیش بستی می کردند که هر قومی فقط و فقط به نماینده ای از تبار خود رای خواهد داد در کمال نیاوری دیدیم که بسیاری از مردم بدون توجه به این گزاره دست به این انتخاب زدند و بر اساس لیاقت و شناختی که از گاندیداتورها داشتند و با معیارهای جدیدتر به پایی صندوقهای رای رفتند و به همه نشان دادند که به فهم و درکی والا تو رسیده اند. البته محکن است در تشخیص خود دچار اشتباه شده باشند اما داشتن چگونه معیار و ملاکهایی مهم است که این بزرگترین موقفیت برایشان می باشد)

و اینکه وارد کارزاری شده ایم که چشم دیگر ملتها به ما دوخته شده است که ما باید لیاقت خود را نشان دهیم و دلسوزانه و سخت گوشانه برای ساختن وطن خوبش تلاش کنیم، اورا بر پایه هایی محکم استوار کنیم و با برخانگاهش داریم چراکه سربلندی و ماندگاری ما تکیه به این پایه ها دارد. بالاخص مایی که در دیار غربت و هجرت به سر می بیم و درد و رنجهایمان کمتر از هموطنانمان در داخل گشتوه نیست، ما قلبمان و روحمان در ازار است و آنها جسمشان، که درد روح و دل جسم را نیز من ازارد. مایی که هنوز در عناب و رنج به سر می بیم و هموله مورد تحقیق و سرزنش و ...

«نه، نه، من هرگز نمی نالم

قرتها نالیدن پس است

من فواهم فریاد بزنم

اگر نتوانستم سکوت می کنم

هاموش بودن بهتر از نالیدن است»

دیگر نباید از این و آن بناهیم شکوه و گلایه دیگر پس استه، این واقعیت است که از هج کس و ملتی نباید انتظار داشته باشیم، باید خودمان خود را بسازیم و به جایی برسیم و برسانیم که دیگران مجبور به رعایت حقوق ما شوند آنوقت می توانیم از ادانه فریاد کنیم و حق خود را مطالبه نهاییم پس باز هم خودمان و تنها خودمان هستیم که مورد سوال قرار میگیریم و این ماهستیم که باید نقطه پایانی بر این احوالات بگذاریم و دوباره از سر خط آغاز کنیم ولی این بار با خطی خوشنده.

به امید فردایی روشن

سردیم



سید سلیمان حسینی



و منسجم که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی، لرزشها، هنجارها نا هنجارها و مستولیتها مشخص شده باشد و منع الهام تکالیف برای افراد جامعه بوده باشد و در آن تعریفی جامع از انسان و جایگاه اجتماعی آن ارائه شده باشد که بدین مان از بین تمام مکاتب این ایدئولوژی اسلام است که رخ می تماشاند و در بلندی تعلی سعادت پسر گام برمی دارد زیرا شارع آن از انسان شناخت کامل داشته است، این است که با مکاتب غربی تفاوتی تعریفی در شناخت انسان دارد زیرا در مکاتب غربی در تعریف انسان اورده شده است که انسان موجودی است که معنویت فرع و روتنای زندگی مادی اوست ولی در مکتب اسلام تعریف که از انسان ارائه شده این است که انسان موجودی است که معنویت، کمال غایب و نهایت زندگی اوست و به همن دلیل است که معنویت کمالی است که با مراقبت و تلاش و با دقت در به کارگیری و بهره وری به اندازه از همه موهاب جسمی و روحی برای انسان حاصل شود، نکته ای که غربیها برای تبلیغات علیه اسلام به آن تمکن جسته اند این است که غربیها برآن باورند که در اسلام روحانیت و معنویت در مقابل مادیت قرار گرفته و رقبی برای آن است و متأسفانه این باور به تفکر جند تن از به خلاهر روش فکران امروزی نیز رسوخ نموده در صورتیکه اصل اسلام چیز دیگری می گویند بدین صورت که در اسلام معنویت و روحانیت به هیچ وجه در مقابل مادیت و جسمانیت قرار نگرفته است و جنان نیست که انسان مجبور باشد برای رسیدن به حقیقت معنوی واقعیت مادی خوبی را ناید کند، معنویت اسلامی رقیب مادیت نیست که بخواهد حرف را به نفع خود از میدان ببرون نماید بلکه هدایت کننده و کنترل کننده جسمانیت و مادیت است دین برای آن نیامده است تاماً از جسمیکرده غافل سازد و از دنیا جدا کند بلکه برای آن است که به ط «اندازه» بیاموزد تا بتولیم با حفظ اعدال از افراط و تقریط مصون بحائیم و مثلاً چنان نباشیم که خود را فقط تن بیانگاریم و جزء بهره وری از جسم به هیچ چیز نیاندیشیم

غربیها برآن باورند که در اسلام روحانیت و معنویت در مقابل مادیت قرار گرفته و رقبی برای آن است

همانطور که در پخش اول مقاله به بررسی فرهنگها و تعامل آنها با یکدیگر و همچنین سیال و پویا بودن فرهنگها پرداختیم در درین‌الهی سخن به بررسی فرهنگ اسلامی و دین اسلام بعنوانیک کلیت و ایدئولوژی و همچنین جایگاه آن در جامعه عرفی امروز و مقدار شناخت مردم از این دین خواهیم پرداخت.

روزی خواهد آمد و پیامی خواهد آورد، در رگها نور خواهد ریخت... گلیاسی به گذا خواهد داد.

برای شناخت کامل یک ایدئولوژی، باید تعریف صحیح، جامع الافراد و مانع الاغیار از آن داشت تا بطور روش و شفاف شناخته شده و در شناخت آن هیچ گونه

تفطه‌ی ایهامی تهاند، بدین لحاظ علماء دین و پیشوایان مذهبی در تعریفی که از ایدئولوژی اسلام داشته اند بدین باور بودهند که همانطور که از معنی خود گلمه پیداستین تسلیم شدن بصورت تمام و کمال در مقابل دستورات خداوندان (ج) که توسط پیامبر(ص) و ائمه طاهرین(ع) با عنوان شرایع دینی بمردم عرضه شده است حال با توجه به این معنی به بررسی مکتب اسلام می پردازیم، اسلام مکتبی است، متعالی و جیات پخش که از اغاز حیات خوبی، حضوری گسترده و پویا و زنده در هنر اجتماع را برای پیرون خویش رقم زده است وایشان را از هر گونه گوشه گیری و پراکنندگی دور داشته و مسیر وجهت پویایی و تلاش اجتماعی انسانها را مستحسن کرده است و سر تکاملی انسانها را که از حیوانات اغذی می شود، به سوی انسانیت کمال می دهد برای انسانی که موجودی اجتماعی است (رفع نیاز او را ودار به اجتماعی زندگی کردن نموده است) و زندگی اجتماعی هزارها مشکل برایش بوجود آورده است و باید همه ای آنها را (تا حد امکان) حل کند، بدین سبب تنهی تواند راه خود را مستقل از دیگران بر گزینند، لعله‌ها برای حل کردن این مصائب و رسیدن به سعادت راه سعادتش را در شاهراه مکتب جستجو می کند، آن شاهراه اصلی ای که انسان را به سعادت و کمال پرساند.

در اینجاست که نیاز به مکتب و ایدئولوژی ضرورت خود را می نمایند، یعنی نیاز بهیک نیوزی کلی، یک طرح جامع، هماهنگ



است. هر ناظر متفکری وقتی که به آنجه در آسای غربی و آفریقا می‌گذرد توجه می‌کند می‌تواند حقیقت آن را ارزیابی کند زیرا این فقط اسلام است که تشکیل جامعه‌ی ملل به معنی حقیقی و در طریق صحیح و عملی بیش بینی و طرح شده است و گفت دیگو بومینو دانشمند آلمانی می‌گوید اسلامیک دین پاک و بی‌ایش و منزه از هر عیب و نقص را برای بشر اورده است.

و برنارد شاو فیلسوف مشهور انگلیسی معرفت است به این که:

من همیشه تسبیت به دین محمد (ص) به واسطه‌ی خصلت عجیب «ازنده بودنش» نهایت احترام را داشته ام، به نظر من اسلام تنها مذهبی است که استعداد توافق و تسلط بر حالات کوئنگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد. من پیش بینی می‌کنم که از هم اکنون آثار آن پدیدار شده است.

ایمان محمد (ص) مورد قبول اروپای فراخولده بود. و در جان احوالی که نخبگان عرصه‌ی فلسفه و نویستگی غربی اعتراف به تثبیت اسلام و حیات جلوه‌انه اش دارند، ما که خویش را مسلمان می‌پنداشیم و به اسلام‌تعال می‌باشیم چه اندازه در بعد دین مطالعه و تفχص داشته ایم و تا چه اندازه می‌توانیم در عرصه دینمان اظهار آگاهی بنماییم.

وهمه براین مسئله واقعیم که هیچ فردی در عرصه‌ای که آگاهی کامل ندارد نمی‌تواند اظهار ایده و نظر پنهانید. حل به خود بیاندیشیم که، آگاهی ما از دین چه مقدار است که می‌آئیم برای خودمان به تأویل و تفسیر اسلام و ارائه ایده هایمان می‌نماییم که همه این مسائل و اختلافاتی که در مذهب اسلام وجود دارد سرچشمه از همین تأویل و تفسیرهای به رأی دارند.

خداآوند می‌فرماید: هیچ کراحتی در زیرینه دین وجود ندارد پس باید با تحقیق و تقلیل تمام بعد از رسیدن به حقیقی و برگزین اسلام واقعاً آن را برگزینیم نه آنکه به گفته‌ی مخصوصین «لقنه‌ی زبانان» باشد و در عملمان چیزی که شهود پیدا نکند اسلام باشد.

وای برما! اگر روزی غریبان برسند به آن حدی که اسلام را عملاً برگزینند ولی مامسلمانان هنوز سرگشته در حیطه حصار تنبیده‌ی خود بافتہ امان بیانیم.

بامید آنروز که تمام ما دانش پژوهان و دین گرایان مسلمان بیاییم و نگرشی واقع گرایانه تر بر دین داشته باشیم و آن را وسیعتر از یک متعصب کور بررسی نمانیم تا ایده بتوانیم در مقابل تهاجم بیگانگان محکم تر استقامت نمانیم.

چنان است که در ایدنولوژی اسلامی به تمام جنبه‌های اجتماعی پرداخته و برای هر کدام قوانین خاصی تبیین شده است و افرادی که خود را خواهان سعادت می‌دانند و سعادت را جستجو می‌کنند آن را می‌بینند ولیکن تحقق رسیدن به سعادت (هم مادی هم معنوی) فقط در ایدنولوژی اسلام که در آن بر اساس آموزه‌ی هایش (من اصبح ولیهم بامور المسلمين فليس بمسلم) افرادش نمی‌توانند بی‌تفاوت و بی‌اعتنای از کنار مسائل اجتماعی بگذرند چنین است که دین «اجتماعی، زندگی و با تحرک» در طول قرنها همچنان یابینده و مستحکم برقرار می‌ماند و هم کتاب آسمانیش مصداق آن هذا القرآن فی کل زمان نص جدید همچنان تا روز قیامت کتاب روز است.

با تمام مواردی که تا حال دکم گردید قضایت را شما خواهند گرامی بخانید که آیا می‌توان ایدنولوژی بدین سان کامل که در

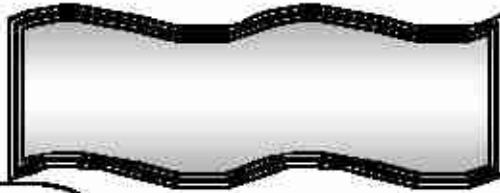
هیچ فردی در عرصه‌ای که آگاهی کامل ندارد نمی‌تواند اظهار ایده و نظر بنماید، حال به خود بیاندیشیم که، آگاهی ما از دین چه مقدار است که می‌آئیم برای خودمان به تأویل و تفسیر اسلام و ارائه ایده هایمان می‌نماییم که همه این مسائل و اختلافاتی که در مذهب اسلامی وجود دارد سرچشمه از همین تأویل و تفسیرهای به رأی دارند.

اصل آن خدشیه ای وارد نیست را فدای زرق و برق و شعله‌ای عوام فربانه و میان تهی مکاتب غربی و شرقی که الهام گرفته از سخنان متناقض، بی‌باشه و اساس چند سرخورده اجتماعی هستند تعانیم.

در حالیکه بر خلاف باور پوک اندیشان ملحکد که دین را الفیون توده ها معرفی می‌کنند، همچین کور اندیشان دیگر که رسالت دین را پایانیافته تلقی نموده اند اکنون می‌بینیم که بیرونی همان مکتب در راستای شناسایی بیشتر اسلام و شخصیت‌های اسلامی قلم فرسایی می‌نمایند و اندک ازدک خود اعتراف به استحکام بیان اسلام نموده و آن را ارجمند اور سعادت بشری دانند.

بدین سان که سر تو ماس آرنولد مورخ انگلیسی می‌نویسد اسلام که مدعی است به اینکه غایت و اهتمام هفتصد میلیون جمعیت را به خود جلب کرده است، تنها راه حلی است برای کلیه بیماریهای جهان و این معنی، ادعایا لاف گرافی نیست که از تاجیکی من صادر شله باشند بلکه پیش آمدناه طبل و برهان آن





سید محمد حسینی (الیانس جامعه شناسی)

فرهنگ را به همان مفهوم سهل و متعنعش یعنی گستره ای از هنجرها، باورها و ارزشها درنظر من گیریم که این نیز به عنوانیک مجموعه از ارزشها، باورها و هنجرها، زیر مجموعه آن خواهد بود احتمالا تمام تلاش کری مطوف ایجاد امیت و اگر فرضی دست دهد بازارسازی خرابی های ناشی از جنگ خواهد شد وضعیت کاملا منطقی است

۴- آنچه احتمالا در این بین مورد غفلت قرار خواهد گرفت همانا «فرهنگ» است.

از آنجا که فعالیتهای فرهنگی معمولاً سود اقتصادی ندارند برای معاش اندیشان جاذبه چندانی ندارد. آنها نیز که به معاد می اندیشند سخت غافل مانده اند در حالیکه کتابهای درسی کودکان در امریکا و پاکستان چاب می شود.

در حالی که هتل همسایگان عزیزمان (جنی ها) در کابل درکنار سایر خدمات، خدمات جنسی نیز ارائه می دهد و.. متدینین یا به کم عزلت خوبیده اند یا اگر ولاد میدان فعالیت شده اند آنچنان تلبیانه بوده است که هیچ اثر مشتقی بر فرهنگ کشور نداشته اند. خوب می دلیم انسان در سینه کودکی شدیدا تالیر بذیر است و معمولاً آموخته های خود را آنچنان درونی می کند که هرگز قابل تغیر نیستد هرگاه بیگانه بتواند در این دوره حساس، فرهنگ خود را به ذهن کودکان مخصوص ، تزریق کند تغیر آن در آینده بسیار مشکل یا حتی غیر ممکن است

در این وضعیت تفاوت های فکری فرهنگی نسل جدید و قدیم و نیز عدم هماهنگی آموخته های ولادتی نسل جدید با داشته های فرهنگ بومی کشور خود و نیز ناسازگاری کلیتی به نام فرهنگ با سایر سازه های تشکیل دهنده ساختار جامعه، مشکلات و حشتاکی ایجاد خواهد کرد که تغییل آن در این مجلمل نمی گنجد.

۵- در این وضعیت بفرنج و تاریخی + سوی تمام کسانی که دغدغه فرهنگ دارند سخت ضروری است. تا برایه ی این فهم از وضعیت کمی هشیارت، بیدار تر و پر کار تر، حریم فرهنگ ملت را پاس بدلارند مخالف اخذ عناصر مثبت از فرهنگ های بیگانه تیستیم که بیاموران امر به اخذ آن کرده اند اما هشیارت و قاعلانه و نهاد غافلانه و منغلانه، امید که فرهنگیان عزیز با درگ وضعیت و شاخت جریبات حاکم بر زمانه، رسالت بزرگ خویش را به وجہی نایسته به انجام برسانند.

تعابیل به سوی نوآوری مشترک، به تجدید حیات تحقیق و توسعه در اروپا کمک می کند

هشدار!

۱- انتخابات تمام شد اما احتیا لا تا مدتی خواه که برای جامعه مطبوعاتی و سایر رسانه ها خواهد بود. اینکه پدیده ای دموکراسی در سرزمینی چون افغانستان چه جایگاهی می تواند داشته باشد؟ اینکه امریکا بازرسانی است کارکشته که بازار را خوب می سناسد و سرمایه اش را جایی تمی خواباند که خبر رکد و با در نظر گرفتن هزینه هایی که امریکا در افغانستان کرده است، اینکه این تاجر خوب تا سود خود را برداشت نکند افغانستان را رها نخواهد کرد و... فعلا تمام اینها را تدبیر می گیریم و همگام با ملت عزیز، دست افغان و پاکستان، شادی می کنیم.

۲- سور و هیجانی که این انتخابات درین اتفاقها ایجاد کرد بی نظیر بود. مهاجرین افغان مقیم ایران با حضور پوشش خود خشم فرو خورده ای را فریاد کردن که سالها مجال فربادش را نداشتند گرچه باید از دست ایران به حاضر سالها پذیرای ازمهاجرین تشرک کرد اما زخم زبانها و پیش و کنایه ی برخی افراد نادان و می فرهنگ، دل بسیاری ازمهاجرین را سخت خسته بود . انتخابات فرضی بود برای مهاجرین تا فریاد بزنند که : «ما نیز هستیم» در این بین حسنه هایی خلق شد که شاید زیباتر از اثرا در تاریخ افغانستان گفت دیده باشیم.

صفهای طولانی رای دهدگان، دستهای پینه بسته و معموم کارگرانی که آمده بودند تا دریازی سرنوشت خود سهمی داشته باشند، دستهای بزرگواری که درد و لذت را هم زمان در کام جان می ریختند و شکوه و عظمت را تصویر می کردند، بیزنانیا بهتر بگوییم شیر زنانی که به سختی راه می رفتند اما آمده بودند زنانی که با بچه در بغل صفهای طولانی را تحمل می کردند و.. حسنه هایی بودند زیبا و بهیاد ماندنی

۳- کرزی رئیس جمهور شد آنچه که کاملا قبل پیش بینی بود نباید از او لنتظار زیادی داشت .

اگر لو موفق شود فقط امیت را به طور کامل برقرار کند کاری بزرگ و شایسته تجسس انجام داده است. قطعاً وی انقدر تواناند ندارد که هم زمان در حوزه های سیاست، اقتصاد و فرهنگ خوب کار کند. به اقتصاد و سیاست کاری نداریم . آنچه مرا وا داشته تا سبیدی رأسیاه کنم این است که خطوطی جدی فرهنگ ما را تهدید می کند



قاره نهن همی مدیدن می شود

درصد تولید ناخالص داخلی علی این دهه هستند تحقیق این مهم مستلزم افزایش هزینه کل تا ۶/۵ درصد در سال و استخدام ۷۰۰ هزار محقق است.

جورجز هاتور استاد مدیریت فناوری عدسه بازرگانی IMD در وزن سوئیس می گویند آر سال ۲۰۰۰ تاکنون هزینه تحقیق و توسعه اروپا کمی ارتقا یافته است (حدود ۰/۰۵ درصد)، لیکن اروپا برای دستیابی به هدف ۳ درصد خود دوران تحسی دا پیش روی خواهد داشته مگر آنکه شرکت ها پیش قدم باشند او اروپا را دست کم نمی گیرد و می گویند آنچه که واقعاً به حساب می آید کارایی نوآوری است.

به همین دلیل سیاستگذاران برای ارتقای محیط نوآوری در اروپا اهتمام دارند. اتحادیه اروپا مشغول فعالیت در زمینه جذب بیشتر زنان در علم و فروپاشی مواعنی است که موجب جلوگیری از انتقال فناوری به دانشگاه ها، آزمایشگاه های تحقیقاتی دولتی و شرکت های خصوصی هستند دولت های علی و محلی به ارتقای خوشمه های صنعت فناوری نظیر دره مخابراتی در گوتبرگ - مکانی که خودرو سازان و شرکت های ارتباطات بین سیم بر روی سیستم های ارتباطات سیار برای وسایل نقلیه موتوری همکاری می کنند - اهتمام می ورزند.

برخی از تلاش ها به نتیجه رسیده اند. به دنبال الگوی پیوستن در سیلیکون به دانشگاه استنفورد و دانشگاه کالیفرنیا در برکلی آمریکا، ده ها پارک فناوری در کنار دانشگاه های اروپائی شکل گرفتند. روزن پیوستر در نزدیکی "ادین برگ" جایی که گوستدنان موسوم به "دالی" لفاح صنوعی می شوند و خوشمه های صنعتی نیمه هادی های IMEC در لیون ملزیک از جمله مثال های شاخص این رویکردند. در آلمان، مؤسسه مشهور تحقیقاتی ماکس پلانک واحد انتقال فناوری ای ایجاد کرده که به شکوفایی ۶۴ شرکت تازه تأسیس یا شرکت سرمایه گذاران مخاطره پذیر انجامیده است. در جهان متعدد و به هم پیوسته، تعاون به ایجاد شبکه های نوآوری و انتشار نیز در اقتدار و توانایی اروپا نقش دارد. اروپایان از جنگ جهانی دوم تجارب بسیاری در زمینه فعالیت های مخاطره ایزیز مشترکه از موشک ارین گرفته تا استاندارد تلفن سیار GSM اندوخته اند شرکت زویال فیلیپس الکترونیکس نمونه بارزی برای الگو نوآوری مشترک محسوب می شود در ماه زوئن، این شرکت معظم هلندی، ۲۸۵۰۰ فوت مکعب جدید را برای آنکه های پاکسازی نیمه هادی ها در "ایندھوون" هلند بارگشایی کرد که امکان پهنه برداری از آن برای شرکت های

اروپا ساله است که رهبری نوآوری را در اختیار داشته است. فرن ها پیش، ژوهانس گوتبرگ با فناوری حیات اور خود، مانشین چاپ، عمل انتقالی در همه چیز ایجاد کرد

متکران مدن امروزی اروپا با نوآوری های تغییر لوح قشرده (CD)، وب جهان بینا (WWW) و سیستم عامل لینوکس، کار و تغییر ما را تغییر کاده اند امروز، مهندسان ایرباس در حال تدارک بزرگترین هواپیما تجاری جهان با ظرفیت ۶۰۰ مسافر و دارای دو طبقه موسوم به ۱۳۸۰ سویر جامبو هستند. و اروپا در سایه شرکت های بزرگی چون توکیا، اریکسون، زیپس و الکاتل که به اتفاق هم در سال اخیر ۱۳ میلیارد دلار در زمینه تحقیق و توسعه در مخابرات هزینه کرده اند، هنوز بر فناوری تلفن سیار سلط دارد. "اوئیل موئید" مدیر مرکز تحقیق و توسعه شرکت معظم تراشه های اروپایی "اس تی ماکروالکترونیکس" در ژنو می گویند "میزان قابل توجهی از استعدادهای فنی در اروپا وجود دارد

به رغم موقیت های افراد مبتکر و شرکت های بزرگ، هنوز برای تضمین جایگاه اروپا ب عنوان رهی تکنولوژیکی جهان راه طولانی ای در پیش است. مجموع هزینه تحقیق و توسعه اروپا ۹ آمریکا و زاین کمتر شده است. هزینه تحقیق و توسعه در ۱۵ کشور عضو اتحادیه اروپا به ۲ درصد تولید ناخالص داخلی هم تعلق رساند؛ در صورتی که این رقم براساس آخرین سال محاسبه در سال ۲۰۰۲ برای آمریکا ۲/۷ درصد و برای زاین نزدیک به ۳ درصد تولید ناخالص داخلی بوده است. از همه بین اینکه سرمایه گذاری های مخاطره ایزیز در فناوری های اروپایی که تازه آغاز به کار کرده اند کمتر از یک چهارم آمریکا در سال اخیر بود؛ سرمایه گذاری مخاطره ایزیز عامل کلیدی برای نوآوری محسوب می شود تامین مالی نوآوری های دانشمندان و مهندسان اروپایی به وسیله شرکت های تازه تأسیس دشوار است. فقدان محرک لازم باعث خروج ناگهانی افراد باهش از این قاره شده است.

تخمین زده می شود چهارصد هزار دانشمند و مهندس اروپایی در آمریکا زندگی می کنند و براساس مطالعه سال ۲۰۰۳، سه چهارم اروپاییان که در دهه نود موفق به کسب مدرک دکترا از آمریکا شده تند قصد بازگشت به کشور خود را ندارند. قاره کهن چه باید کند؟ از راهراه های بروکسل تا آزمایشگاه های مشترک، اروپا جهت چیزه شدن بر این موضع در تلاش است. در سال ۲۰۰۰ سیاستگذاران اتحادیه اروپا اعلام کردند که متعدد رساندن این قاره به پویاترین اقتصاد دنیا محور جهان تا سال ۲۰۱۰ هستند. در حال حاضر، آنها در حدد افزایش هزینه تحقیق و توسعه از طریق دولتی، دانشگاهی و اتحادیه ها به همچو



فرهنگ سیاسی

۰ آینین دو شمشیر

آینین دو شمشیر نام آشیانی است که در قرون پیش از میلادی در جامعه مسیحی رومی مستشکل گردیده و در اوایل قرون مزبور از طرف پاپ گلاسیون اول درباره آن اعلامیه رسمی صادر شد. آینین در تمام ادوار قرون وسطی یمنزله یک آینین مقبول پذیرفته شده جزو سنت و عادت قرار گرفت و هر زمان بین پاپ و امیراطور اختلاف یا رقابتی بوجود نیامد به آینین رجوع میتمودند. آینین دایله بین روحانیات و دنیویات و یا مذهب و سیاست را معلوم نمیکند. در دوره ای که بدورة پدران گلیسا معروف است یک نوع تشکیلات دو گانه و کنترل دو گانه نسبت به جامعه اروپایی آن زمان بوجود آمد و عادت بر آینین جاری شد که دو قدرت متساوی و با تایید یکدیگر جامعه را اداره نمایند.

اول حفظ علائق و منافع روحانی و روحانیون و حکومت بر ارواح و عقاید مردم که در حوزه افتخار کلیسا قرار گرفت و تشکیل یکدستگاه سلسله مرائب و یک سلسله تعليمات خاص را دارد که کشیان و روحانیون عهده دار آن بودند

دوم حفظ منافع و علائق دنیوی و حصول و حفظ صلح و نظم و عدالت که در منطقه حکومت کشوری یا سیاسی واقع شد و تشکیل یک سلسله عملیاتی را میدلا که زمامداران سیاسی و کارگزاران ایشان آنرا بر عهده داشتند

پس لازم آمد که بین این دو نوع نظام یک روح همکاری متقابل حکم‌فرما پاشد و این آینین کمک متقابل کلیسا و دولت بیکدیگر و اداره امور جامعه پشتی از طرف این دو قدرت به آینین دو شمشیر یا دو اثیریته معروف گردید و حاکمی از این اصل است که یک جامعه در تحت کنترل دو گانه وزیر نظر دو دستگاه هیلاری کلیسا و دولت با خود خلاصت قضاوت متخصص اداره شود هر یک از دو قدرت، حدود قضاوت و حوزه حکومت قدرت برای قدرت دیگر مقرر داشته است محروم شمارند.

۱) انتلکتوالیسم (Intellectualism)

یافلسفه اصلالت هوش و قریحه یعنی اعتقاد به اینکه علم زاده عقل است و بس و عقل منبع دانش. انتلکتوالیسم یک عقیده فلسفی است و حاکمی از آن است که حقیقت یا علم صحیح با واقعیات را تنها بوسیله قریحه یا هوش که شامل عقل نیز می‌باشد میتوان بdst آورد.

دیگری که چهت توسعه (و گاهی شرارت) در فناوری اقدام به اجراهه کردن فضا می‌کند میسر است. **ریک هارویک** مدیر اجرایی پختن تحقیقاتی فیلیپس در ایندههون می‌گوید: «عصر انجام هر کاری به تنهایی توسط خودتان به پایان رسیده است». یکی از شرکت های تازه تأسیس هلندی موسوم به **فلاکسیون** در حال بهره برداری از آزمایشگاهی جهت ولید سیستم های تصفیه بسیار دقیقی است که امکان جداسازی باکتری ها از شیر را می‌دهد. به علاوه، فیلیپس به انجام توأوري های خود در آنجا ادامه می‌دهد. تغییر تراشه بیو-سنسور جدید برای سرعت آزمایش دقیق خون و تکنیکی برای نشان دادن جریان الکتریسیته بر روی صفحه نمایشگر به وسیله‌یک چاپگر جوهر افشن اصلاح شده.

اروپایان در بازارهای محلی کوچکتر، رشدیافتند، و روجه آنها به تجارت بین مرزها سالهاست که جو گرفته است. **مارتن میکوس** مدیر عامل شرکت نرم افزاری سوئیڈی **MYSQL** می‌گوید: «اما باید به واژه چند ملیتی فکر کنیم». این آنیشه، اروپایان را در مذکوره بازیان های مختلف، قوانین تجزیه متفاوت و فرهنگ های گوناگون آزموده تر می‌کنند مهارتی خسروی برای موفقیت جهانی، شرکت آلمانی **SAP** برترین فروشنده جهانی نرم افزارهای تجاری را در نظر نگیرید. این شرکت در دهه اخیر کار خود را با ایجاد آزمایشگاه های تحقیقاتی در خارج از کشور آلمان آغاز کرد. هدف از این عمل گشودن راهی به دانش محلی، تزدیک تر شدن به مشتریان و صرفه جویی با استخدام استعدادهای ارزان تر بود در حال حاضر 30 فرد از ده هزار مهندس **SAP** در خارج از آلمان در محدوده ای که از آمریکا تا هندوستان و رومانی گسترش دارد استقرار یافته اند. **لسلى هیمن** مدیر جهانی منابع انسانی می‌گوید: «اگر **SAP** هنوز 70 درصد از مهندسان بخش تحقیق و توسعه خود را در آلمان بر هزینه به دلیل استفاده از مزیت فرهنگ بالا، سخت کوشی و مهندسان یا استعداد کشور، نگه داشته است.» مطمئناً، اروپا هنوز برای رسیدن به آمریکا در حمایت از تحقیقات، پایستی خود را همیا کند هرینه تحقیق و توسعه به تنهایی عامل کافی برای ارزیابی نوآوری نیست. **دیوید شیندل** رئیس سابق بنیاد ملی علوم آمریکا می‌گوید: «لو جهان دارای ارتباطات فی مابین روز افزون، توانمندی اروپا در همکاری مابین مرزها می‌تواند آن را به الگوی ماندگارتری برای نوآوری تبدیل کند». اگر قاره کهن حول قدرت های تایلر گذار خود متحد نبود ممکن است هنایت عصر بعدی نوآوری را به عهده بگیرد.



سید نقی موسوی
(دانشجوی جامعه نسانس)

فرهنگ توسعه اقتصادی

ایدئولوژیها و ارزشها، شرایط جغرافیایی و طبیعی، تحولات تاریخی، قدرت سیاسی و نظامی و نوع حکومتها از عوامل موثر بر ساختار فرهنگی جامعه هستند که باعث ایجاد و تغییر آن می‌شود.

ویژگیهای فرهنگی لازم برای تحقق توسعه:

- ✓ تفکر و تکرش علمی در برخورد باسائل اجتماعی و انسانی باید ترویج شود

✓ انسجام و همبستگی ملی از ویژگیهای فرهنگی مهم در توسعه اقتصادی است

✓ ایجاد برابری در مقابل قانون و حقوق برای شهروندان

✓ برخورداری از حداقل سواد در سطح فرآیند

✓ نظام اجتماعی قلل از آنکه توسعه قوانین نوشتۀ شده در جامعه ای به اجرا در آید می‌باشد در فرهنگ مردمی پذیرش عامیاند

✓ اعتقاد و ایمان به تحولات اجتماعی با توجه

به موقعیتهای زمانی مختلف

✓ آمادگی افراد برای پذیرش اندیشه‌های نو و بکار گیری و آزمون آنها

✓ آمادگی افراد برای اظهار عقیده و پذیرش اجتماعی برای شنیدن عقاید

✓ ایمان به علوم و فناوری

✓ ایمان به عدالت برای همگان

بعد از برشعردن ویژگیهای فرهنگی لازم برای توسعه به تنگناها و موانع فرهنگی در سر راه

توسعه اشاره ای خواهیم داشت. واقع گریزی ایدئال گزایی در روا و اعتقاد به سرنوشت از

پیش‌تعیین شده و ختمیت آن ذهنیت‌هایی هستند که مانع راهیابی

جامعه به سوی کمال و ترقی می‌شود.

تفکرات و اندیشه‌های کهنه، خرافات و تعصبات می‌جاهمه در پیکره نجف جامعه سنتی ما ریشه بوانده اند که متدی بزرگ در راه پیشرفت و توسعه ابعاد کرده اند و باید این عقاید اصلاح و

تعصبات تعديل شوند با توجه به سنتی بون جامعه افغانستان و پس ماندگی فرهنگی در آین کشور، تغییر مسیر جامعه و آغاز اتحابی برای تو شدن، کار بسیار مشکلی خواهد بود به هر حال در

زیر موادری از تنگناهای فرهنگی را نام می‌بریم که باید در جهت رفع آنها بکوشیم.

*گرایش به وهم گرایی و پایین بودن میزان قدرت پذیرش اقتصادی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود در جامعه

در شماره پیشین در مورد فرهنگ و توسعه اقتصادی و رابطه این دو باهم را تا حدودی بیان کردیم. در این مقاله ابتدا خلاصه‌ای از توشار قبل را جهت یادآوری مطلب ارائه می‌کنیم و سپس به ادامه یحث خواهیم پرداخت. گفتم که لازمه بنیانگذاری هر نظام و پیشرفت هر جامعه وجود دو نوع تمدن مادی و تمدن فرهنگی بوده است. در بعد تمدن مادی به مسئله توسعه اقتصادی اشاره شد و تعاریف از توسعه ارائه کردیم. توسعه مستلزم تغییر است، این معنای لست که اصلاح توسعه، در آن به کار رفته است. گولت «Goulet 1971» سه جزء مرکبی ارزش‌های اصلی در معنای وسیعتر توسعه را تشخیص می‌دهد که وی «معاش زندگی»، «عزت نفس» و «ازادی» می‌نامد. میرdal

«Gunar Myrdal» ارزیابی توسعه تحت عنوان «آرمانهای تو شدن» به شرح زیر بیان می‌کند

[1] خرد گرایی

[2] توسعه دانش و اجرای موثر برنامه ریزی توسعه

[3] افزایش بهره وری

[4] ارتقاء سطح زندگی

[5] برایبری اقتصادی و اجتماعی

[6] بهبود نهادها و رفتارها و عادات و رسوم

[7] استحکام و قوام ملی

[8] استقلال ملی

[9] دموکراسی بطور ریشه‌ای و گستره در سطح جامعه

[10] انصباط اجتماعی

همچنین «استرین» چنین اظهار نظر می‌کند: «توسعه یعنی توگرانی و مدنی شدن و مدنی شدنی یعنی تغییر زندگی انسان و تغییر خود انسان، توسعه یعنی بهبود ابعاد مرتبط بهم، سطح و میزان محصول و درآمد ملی، شرایط تولید، سطح زندگی، شرایط و محیط کار، نهادها و سیاستها».

در تعریف فرهنگ نیز گفته شد که: «فرهنگ مجموعه‌ای از عقاید ادب و رسوم و ارزش‌های است که فرآیند و مورد پذیرش عام است و پذیرش آن منوط به استدلال و متعلق علمی نیست و محو و

ایجادیک فرهنگ نیازمند زمانی طولانی می‌باشد».



«اریک فروم» مذاهب پرتوستان و یهود را که تکیه بر عشق پدری دارند و رستگاری را در کار و تلاش بیشتر جستجو می‌کنند. مذاهب مذکور و بر عکس مذاهب کاتولیک را که جنبه احساساتی دارند و رستگاری در جهان آخرت و قناعت و زهد ورزیدن در این دنیا را ترویج می‌کنند. مذاهب مؤنث می‌داند.

اجتماعی خاصی پروردده می‌شود و تدوین و تداوم می‌باید. بنابراین گرچه انگیزه اولیه تحولات در مذهب و سیر آن بسوی عقلانیت کاریزمای پیامبران است، لیکن پذیرش و پاسخ به اقسام گوناگون اجتماعی این انگیزه اولیه را نهادینه می‌سازد.

در جریان نهادینه شدن هر مذهب، پیروان آن مذهب، خصوصیاتی از اندیشه‌های مذهب را انتخاب می‌کنند که با آنها ربطه ای فزدیک احساس می‌کنند به این ترتیب ویر هر مذهب را به گروه اجتماعی خاصی ارتباط مدهد و از چندین گروه حامل فرهنگ مذهبی گفتوگو می‌کند.

[۱] گروههایی که درای مسئولیتهای دولتی آن دانند پرورکردهای اسراف فتووال که اصولاً تماشی به مذهب رستگاری بخش ندارند اگر این گروه حامل مذهب باشد شعائر رسمی دولتی بر مذهب سلط میگردد و مذهب وسیله حفظ نظام و امنیت می‌شود.

[۲] وقتی قشری از جنگاوران، گروه حامل مذهب باشد، مذهب کاملاً این جهانی می‌شود، زیرا جنگاوران صرفاً دنیا صاف مادی هستند، جهان بینی اینها خصلت عقلانی ندارد زیرا برای جنگاوری لازم است قدر مواجهه با مرگ و سرنوشت غیر عقلانی و غیر مستظره را در هر لحظه از عمر خود پذیرید و در لشکر و قوع روبرویانی در هر لحظه باشد.

به نظر ویر اسلام بخصوص اسلام در دوره اولیه آن مذهب جنگاوران و جهانگشایی بود. اسلام اولیه مستقیماً زهد و ریاست کشی این جهانی و رهایت آن جهانی را نفی میکرد.

[۳] روشنگران به ویژه روشنگران روحانی که از طریق تلویں شرع و سنتهای مذهبی به حضور تبرویی محافظه کار در من آیند اصولاً پذیرای وضع موجودند، به هر حال روشنگران به جهت بیانی کارشان ممکن است تبروی ابداعی مهمی باشند.

* پایین بودن میزان اعتماد به نفس از نظر روحی و روانی (خودناباوری و بیگانه باوری) که مسلمان فعالیتهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در سطح خرد و کلان متاثر می‌سازد.

* عدم وجود روابط و خواباط شایسته سالاری در استخدامها، بیویزه ساختهای قومی، دسته‌ای و گروهی است.

* عدم پرسی، مطالعه و تهائی برنامه ریزی منطقه‌ای، بصورت منطقی و بیویا در حوزه بخشها و سطوح مختلف در سطح کلان،

با خاطر ارجح بودن منافع قومی، فردی و دسته‌ای برعناصر اجتماعی و ملی که می‌تواند باعث تقلیل انگیزه های فردی و فعالیتهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در سطح جامعه میشود.

* واپسگیری قومی و قبیله‌ای در شکل سنتی و حزبی و خطی در شکل توین آن.

نقش دین و مذهب در خواهند توسعه

دین و مذهب یعنوان یکی از ریشه‌ها و منابع مهم باورهای فرهنگی از پایه‌های بنیادین و تعیین کننده در هر تلاش برای توسعه است. مذهب در کشورهای در حال توسعه قدرت و نقش افرینی زیادی در مقایسه با جامعه پیشرفته دارد. البته در این بحث میان «دین» و «فیض از دین» تفاوت قائل می‌شود. دین حقیقی است جاویدان و برخاسته از روحی که میتوان از آن برداشت‌های گوناگون داشت. ما در عرصه فرهنگ با تصویرات مختلف از مذهب روپرتو هستیم که خود نشان دهنده تفسیرهای گوناگون متون مذهبی است. فرهنگ مذهبی بطور قطع دارای آثار و تابع عملی در زندگی است، ولی آثار آن بر حسب نوع بود برداشت، متفاوت است.

«اریک فروم» مذاهب پرتوستان و یهود را که تکیه بر عشق پدری دارند و رستگاری را در کار و تلاش بیشتر جستجو می‌کنند، مذاهب مذکور و بر عکس مذاهب کاتولیک را که جنبه احساساتی دارند و رستگاری در جهان آخرت و قناعت و زهد ورزیدن در این دنیا را ترویج میکنند، مذاهب مؤنث می‌گذرد.

ماکس ویر (Weber, 1965) در کتاب اخلاق پرتوستان و روح سرمایه داری این پرسش را پیش می‌کند که ایا تصورات مذهبی انسان از خدا و جهان می‌تواند پرروابط اجتماعی و بخصوص حوزه اقتصادی جامعه مؤثر باشد؟ به نظر ویر اخلاق پرتوستانیکی از علل عقلانی شدن زندگی اقتصادی و بنابر اینکی از علل بینایش سرمایه داری بوده است. البته به نظر «ریمون آرون»، ویر تأکید دارد که پرتوستانیزم علت متحضر به فرد سرمایه داری نیست بلکه یکی از عوامل سرمایه داری بینتر بگوییمکی از علل بدخیزه های سرمایه داری است.

به نظر ویر در جامعه شناسی مذهب، جهان بینی و اخلاق اجتماعی مذاهب به وسیله گروههای منافع

دنیوی بودند ثروت، قدرت، حیثیت و عظمت همه وعده و عویدهای مادی بودند. بنابراین اسلام، بر خلاف مذاهب زهد آن جهانی، از دنیا چشم نمی بوشد لیکن بر خلاف مذهب زهد این جهانی، زندگی دنیوی را وسیله نیل به هدف رستگاران در اخوت میداند. البته ویر انکار نمی کند که گرچه جنگاوران، مذهب اسلام را با موقعیت و منافع اجتماعی خود هماهنگ کردند لیکن اسلام دارای اندیشه رستگاری خواه بود و دستیابی به این رستگاری نه فقط از طریق فعالیت اقتصادی و زهد آن جهانی بلکه از راه کوشش معنوی صورت می گرفت. در مجموع از نظر ویر اسلام از آغاز مذهب ریاضت کشی اقتصادی نبود، زیرا گروه اصلی حامل آنکه کاست جنگاور بود و نه یک طبقه تجاری همچنین به نظر وی آنچه سبب تحرک و پسیج مردم به سوی توسعه در غرب شد عواملی تغییر کار و تلاش بیشتر برای جمع اوری ثروت، امکان اقتناع نیازهای روحی از طریق امور مادی و غیره بود که در مذهب پروتستان سایش می شد در مقابل این نظریات «ساموتلسون» ارتباط بین مذهب و توسعه را کم میداند به اعتقاد وی مذاهب تاثیرات یکسانی بر پیروان خود ندارند و همچنین تلقی یک مذهب از حیات دنیوی در جوامع مختلف همواره یکسان و ثابت نیست.

وی برای اثبات ادعای خود مثالهای از نقلن کاتولیک در ایرلند و ایتالیا و نقش آن در فرانسه و بلژیک می زند و اشاره میکند که تاثیرات مذهب کاتولیک در این جوامع متفاوت بوده است و علی رغم رواج مذهب کاتولیک در هر چهار کشور، این کشورها درجات توسعه یافته‌گی متفاوتی دارند.

منابع:

- 1- جامعه شناسی کشورهای جهان سوم/جی.ای.گلتوب ترجمه جواد ظهوریان
- 2- رشد و توسعه / ا.پ.تیزل وال/ترجمه: منوچهر فرهنگ - فرشید مجاور
- 3- توسعه اقتصادی و برنامه ریزی / شهرنم طاهری
- 4- اقتصاد توسعه / دکتر مسعود نونزاد
- 5- اقتصاد دیرستان
- 6- توسعه اقتصادی / محمود متولی

آنها وقتی گروه حامل مذهب باشند عموماً نهایته نوعی عقلانیت مخصوص می گردند گروههای برگزیده روشتفکر عموماً به مفهوم جهان ذاتی خداوند گرایش پیش میکنند و به تصوف و تفکر روی می آورند. برای آنها نظام جهان یک کل با معناست و از این رو میکوشند با زهد این جهانی تسليم آن

وقتی قشری از جنگاوران، گروه حامل مذهب باشند، مذهب کاملاً این جهانی می شود، زیرا جنگاوران صرفاً دنبال منافع مادی هستند. جهان بینی آنها خصلت عقلایی ندارد، زیرا برای جنگاوری لازم است فرد مواجه با مرگ و سرنوشت غیر عقلایی و غیرمنتظره را در هر لحظه از عمر خود بیندیرد و در انتظار وقوع رویدادی در هر لحظه باشد

کل شوند

4) بر خلاف روشتفکران، طبقات متوسط و پیشو اشهری دارای تعابرات عقلانیت عملی هستند. شغل این اشاره مستلزم محاسبه اقتصادی و اداره عقلانی زندگی است. ازدواج آنها از طبیعت در درون بازارها و اماکن سر پوشیده آنها را با برستهای مذهبی مواجه می کند وقتی این طبقات گروه حامل مذهب شوند، زمینه ای برای رشد مذهب حامی زهد این جهانی فراهم می آید.

5) دهقانان که سخت پاییند سنت هستند و کار فصلی آنها چندان قابل نظام بخشی عقلایی نیست، عموماً حامل فرهنگ مذهبی تبوده اند. آنها بیشتر به جادو یا بی تفاوتی تمایل داشتند.

در مبحث اسلام ویر به عوامل اخلاق اقتصادی و گروه حامل مذهب و نظام سلطه سیاسی توجه دارد. در نظر ویر اسلام از آغاز، مذهب ریاضت کشی این جهانی و یا آن جهان نبود بلکه مذهبی جهانپذیر به شمار می رفت.

توجه اسلام به اصلاح معاش و معاد به این معنی است که میان پهنه مندی از نعمات خداوندی در این جهان واطاعت از دستورهای اخلاق دین برای رسیدن به رستگاری چندان تضادی وجود ندارد. وعده های مذهبی در اولین دوره اسلام



سید اصفهانی
(دانشجوی فلسفه)

اکزیستانسیالیسم

بالآخره تعین دارید که چاقو چاقو است، و چاقو کار چاقو را می‌گند و نه زیلا و چاقوی را که می‌خواهید بسازید نیز جنی خصوصیات را دارد، بدین حورت قبل از اینکه چاقوی مورد نظر در عالم خارج وجود حقیقی پیدا کرده باشد، شما ماهیت او را شناختید، این را می‌گویند تعلم ماهیت بر وجود اما اگر از شما بخواهند که ماهیتیک انسان مثلاًیک توزاد را بیان کنید، جواب شما چیست؟ آیا توجه کرده اید وقتی که می‌خواهد ماهیت و هویت شخصیک فرد را بیان کنید محصور هستیاز افعال و کارآئی و خصوصیات عملی او نام ببرید؟ مثلاً می‌گویند هیتلریک شخص سیاستمدار و رهبر حزب، شجاع و شرساد بلکه اینها فقط تاثیر دارد و تنها گسن

**وجود هیئتی برخلاف وجود مجازی هیئت
لیست که او را خداوند والدین طبیعت
بسازد بلکه اینها فقط تاثیر دارد و تنها گسن
که وجود هیئتی شما (امن سازد) خود شما
 Hustied شما هستید که تصمیم می‌گیرید
خودتان را چطور بسازید**

توانید مهریان و کربیم بگویند چون این کودک فعلاً بجز استدلال پتانسیل شده دیگر هیچ نیست و معلوم نیست که شخصیت و ماهیت او در آینده چطور خواهد بود و او از خود چه خواهد ساخت، بالآخره آنچه که درباره او حداق است وجود بودن، و هستی اوست و ماهیت و سرشت او و اینکه او چطور انسانی خواهد شد کسی تمدیداند بجز خداوند عالم؛ این را می‌گویند تعلم وجود بر ماهیت به عبارت دیگر، انسانها نوع وجود دارند

وجود مجازی و وجود حقیقی

وجود مجازی همین وجود فیزیکی است، وجود فیزیکی و مجازی انسان را خداوند با همکاری والدین می‌افزیند و در وجود مجازی تمام انسانهای موجود با هم برآورند، مثلاً همه دارای اعضاء و جواح است و همه حق حیات، حق مسکن، حق تحصل حق رای مساوی، حق آزادی بیان و ... دارد و هیچیکی بر دیگری برتری ندارد و در وجود فیزیکی و مجازی قطعاً تمام انسانها بر اساس تقویم زمان، نه تقویم تاریخ و تمدن در قرن بیست و یکم؛ و حال آنکه بسیار فرقست بینیک شهروند زیستی و نک رعیت کشور عقب مانده، آنکی با فکر و اندیشه و علم و زندگی قرن ۲۱ زندگی می‌گند اینکی با فکر و اندیشه قرن ۱۷ و شاید حتی قرن حجر و همچنین دریک جمعیت کل کشور تمام شهروندان، و رئیس جمهور، و اساتید

اکزیستانسیالیسم:

این کلمه از لغت **Existance** (وجود) مشتق شده است که به معنی مفهوم احوال وجود و انتقام وجود بر ماهیت می‌باشد در فلسفه اسلامی اصطلاح اصالت وجود و با ماهیت تقریباً بعد از صدر المتألهین حدود ۳۵۰ سال است که بطور عام پکار رفته است ولی نه به آن مفهوم اختصاصی که در مکتب اکزیستانسیالیسم استفاده می‌شود

وجود و ماهیت در فلسفه اسلامی:

برای روشن شدن مفهوم این دو کلمه به مثال زیر توجه کنید

فرض کنید از شما پرسیده می‌شود که آیا در داخل کیفان چیزی است؟ و شما جواب می‌دهید:بلی، در این جا سوال وجود و بودن شده است سپس از شما می‌پرسد آن چیزی که داخل کیفان است چیزی شما است چیست؟ شما می‌گویند: کتاب در این جا سوال از ماهیت و طبیعت و چیزی شی شده است و شما ماهیت لزیز را می‌گویند

پس همه موجودات در عالم ذهن قلسی از تو چیز مرکب شده است از وجود و ماهیت، و مثلاً شما طبیعت و شکل و قیافه خاص خود را دارید به این می‌گویند ماهیت و چیزی شما، و در عین حالیک بعد شما را وجود و بودن شما تشکیل می‌دهد که چون شما وجود دارید روی شکل و ماهیت شما بحث می‌کنیم و اگر حدوم بودید که ماهیت شما را ندانشیم،

اساس بحث و نظر قلاسقه اسلامی در این مورد است که آیا وجود اشیاء اصل است و مقدم و ماهیت آن فرع و موضع و با بر عکس بعضی ها صورت اول را استدلال و اثبات می‌کند و برخی هم صورت دوم را

تقدیم وجود بر ماهیت در مکتب اکزیستانسیالیسم:

محب بحث وجود و ماهیت در این مکتب فقط انسان است و ماهیت در این مکتب به مفهوم استعداد خلاقیت، کارائی و شدن است و وجود به همان معنای بودن می‌اید

فرض کنید می‌خواهیدیک عدد چاقو بسازید در مرحله اول رنگ، شکل، دسته و ضخامت و نازکی و بزرگی و گوچکی و بر این انسان حتی اندازه استقامت و توانایی او را تصور می‌کنید، و نیز بر این مطلب کاملاً آگاهی دارید که چاقوی را که می‌خواهید بسازید به درد چه کاری می‌خورد برای چه می‌سازید، و کارآئی آن چیست و

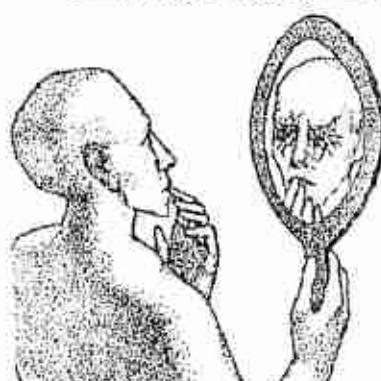


هستند که چنین باشد و نمی توانند غیر از این باشند پس برای آنها انجه که صلاق است بودن است نه شدن، فقط انسان است که از میان تمام موجودات زمینی از امتیاز استعداد و توانایی و خلاقیت تبدل و تغییر برخوردار است که می تواند از «بودن» به سوی «شدن» حرکت کند، و خوبشن را چنان بسازد که شایستگی انسانیت است. و حتی ملائک هم نمی توانند ماهیت خود را تغییر بدهند بلکه آنها فقط استعداد و ثبات ویک نواحی را دارند نه تغییر و تحول را. لذا انسان یک موجود ازاد است و باید هم از ازد پاشد تا خودش را وسیله را آنطور که میخواهد انتخاب کند، تا آنطور که میخواهد باشد نه آنطور که فعلا هست

این بودیک بخش از فکر مکتب اکزیستانسیالیسم که اسلام نیز این را می پذیرد و فلاسفه اسلامی این مباحث را با اختلالات و شیوه دیگر در مکتب دینی، مطرح و ثابت کرده اند اما آنچه که موجب بحث بین مکتب اسلام و اکزیستانسیالیسم است درباره مقوله های دینی، چون آزادی، خدا پرستی، و ... می باشد تا مجال دیگر بخشی از گفته های مبتکر این مکتب «زان بیل سارتر» از مغان زندگی تان باد:

**بشر هیم نیست، مگر آنکه از همه می سازد
بشر هر عملش هیم نیست
بشر هیم نیست.**

**سپس چیزی می شود،
چنان می شود که خوبشن را چنان می سازد
هیم کس قهرمان (الیه لعن) نمی شود
زیون مسئول زیونی فویش است.**



دانشگاه در امارات شامل هستند اما به لحاظ وجود مجازی و قیزیکی، و حال آنکه بین وجود حقیقی و ماهیت هر یک تفاوت بسیاری است، وجود حقیقی: وجود حقیقی برخلاف وجود مجازی چیزی نیست که او را خداوت و الدین و حلیعت بسازد بلکه آنها فقط تائیر دارد، و تنها کسی که وجود حقیقی شما را می سازد خود شما هستید شما هستید که تصمیم می گیرید خودتان را چطرب سازید، وجود حقیقی شما را عمل و فعل شما می سازد و بس، چه عمل ذهنی مانند تفکر و اندیشه و پیام، و با عمل خارجی، مانند خدمت به خلق، یا معصیت به خالق، به عنوان مثال اگر اینک صدام است خودش خوبش را چنین ساخته، و پرورش داده و هیچ کس در سوشت و سرونوشت او مقصرا نیست جزو و اعمالش در نادگاه الهی، و تیز اگر آن دیگری گاندی است و با اقبال. حتی اگر شیطان شیلتنت می کند و با خناس مردم را غریب مینهند، کسی مقصرا نیست بلکه شیطان خودش شیطان می شود

چرا که الله هیچ وقت دیکتاتور، مستبد و با ظالم و مظلوم تعیین نمایند و بسیارند کسانی که از راه رفته اند بر میگردند و ماهیت خود را تغییر می دهد حتی در آخرین فرست هم که شده حر در کربلا از ادگی را با خون ترسیم می کند و با سلطان درویش می شود، شیخ اعظم مولانا تاریخ می شود و استاد اعظم غزالی دوران، اما آنچه که تغییر نکرده است اینست که انسان اغلب می خواهد دنیا را تغییر بدهد تا خود را

پس آنچه که اصل است و احوال دارد و حقیقی است همان ماهیت انسان است که وجود حقیقی تعبیر شده، راستی؛ شما در نظر بگیرید که انسان با قدرت انسانی افریده می شود پس چرا با استدلال به روایات دینی در قیامت بعضی شان بصورت خوک، خرس، میمون، الاغ، و حتی عقرب و گرگ در صحراي محتر حاضر می شود، آیا این امر غیر از این است که آینهای به همان ماهیت حیوانی در این دنیا نیز زندگی می کند و فقط در وجود قیزیکی بصورت انسان است و بس؛ آیا انکس که خون انسانهای مظلوم را می خورد چه تفاوت دارد با گرگ صحرا؛ و آنکه بیت العال را به غارت می بود با خوک و حشی چه تفاوتی دارد؟ چز آنکه آنکی چهار پا دارد و آینهای دو پا، خلاصه اینکه تمام موجودات عالم محکوم به همان چیزی هستند که می بایستی باشند مثلا سگ، سگ است و خاک هم خاک، و گوسفند همان گوسفند است و لو سالها زنده باشد، چرا که آینهای استعداد تبدل ماهیت خوبش را ندارند و مجبور حلیعت خوبش



و امید و هاوسی است که وجودم را پایی بند آین زیستن خوده است
گاهی با خود می تدیشم که ای کاش برندۀ مهاجر سپکالی بودم
که به هر سو دلم می خواست برمی گشودم و پنهان وسیع و ای
آسمانها را در عین نور دیدم و می رفتم به جایی که درونه تزویر، ریا و
سیاست بازی در کار نباشد، جایی که به جرم سادگی و صداقت،
ترکت نکنند و دیوانه و احمقت نخوانند

جایی که بشود با زنجیرهای عشق و محبت اصلی و والقی و نه
سود جویی و بدون چشم داشت دلها را به هم پیوند دل و دور از
هیاهوی تمن و حساب و کتابهای کثیف، فقط زلگی کرد
جایی که دوست داشتن ایش واقعی فهد (ا) می داشت
و دوستی زنگ واقعی فهد (ا) نشان می داد، کاش می
شد به چلین جایی (سید و رفت)

(من مشتاقانه در جست و جوی نشانی آن هستم، آیا تو نشانی آن را
می دانی؟)

روح من خسته ترا از آنست که بتواند تاب این همه زنگ و نقاب را
بیاورد و خود نیز چینش شود

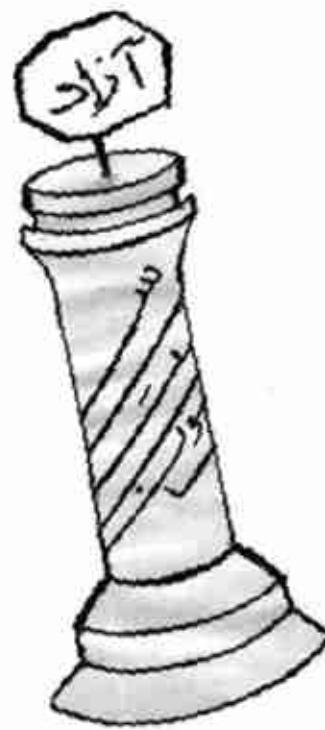
روح من، قلب و جان من را با محبت و عشق سرشته اند مثل خود
خدا، و من نیز آن را تا جایی که توانسته ام به دیگران ارزانی داشته
ام، من به دنبال هیچ چیز نیستم، من فقط به دنبال ادای و خاطفم
هستم و سعی دارم رسم امانتداری را خوب بجای آورم.

دوش دیدم که ملایک در میخانه زند
گل آدم بسرستند و به پیمانه زند
آسمان بار امامت نتوانست کشید
قرعه کار بنام من دیوانه زند
راه شدن چه سخت و دشوار است، وفاخر افضل الصالحين و اعلى
علیم گاه چه هر زیارتی است، آیا خواهم توانست به سلامت از این
باریکه سرنوشت سازیگذرم؟ اگر او باریم کند می توانم
و من همچنان چشم به جاده های باران خورده انتظار دوخته ام تا
شاید او بباید آن سورا سیز بوش.....

پایان
آذرماه ۸۳

کوه قاف تنها شده است.

آنسوی جهان، آنجا که آسمان خلی به زمین ظا کی نویدیک است،
با هم بودن معنی خاصی دارد.
در آنجا دیو سیاه و زشت کوه قاف با صداقت تمام کوههای جهان را
روی هم جمع می کند تا کوه قاف را دیواره بسازد تا باز هم
داستانهای زیبای کوه قاف را تکرار کند ویری هم با حوصله ای
تمام، انتهای آسمان ای را به زمین خاکی بند می زند



از پرسنل پرسنل

چه فوشن است هال مرغی که قفس ندیده باشد

و نتوتر آنکه مرغی (قفس پریده باشد

پر و بال ما شکستند و در قفس گشودند

چه ها، چه بسته مرغی که پرش پریده باشد

xxxxxx

دلم گرفته زین قفس، شوق دوباره پریدن، دوباره اوج گرفت، و
تفصیل فضای لاجوردی وزلال استخنا است که زنده تگاهم داشته
است.

حسن پرواز هر لحظه درونم را مشتعل می کند، می خواهم بروم، می
خواهم بپرم، باید رفت، باید گذشت، با خود می تدیشم آیا هنوز
پرواز را بخطاطر دارم؟

من ملک بودم و فردوس برمی جایم بود

آدم اورد درین دیر خراباتم

نمی دلنم آن لحظه زیبای رهایی کی فرا خواهد رسید، لحظه ای که
مرا از این همه تنگنا و فشار و ریا رهایی خواهد بخشید، گاه میله
های این قفس، آنچنان مرا اسیر و محلود میکند که جز با یادآوری
خطاطرات خوش گذشته و امید تکرار آن روزهای برو از صفا و
ضمیمهت و خالی از ریا، نمی توانم انتظار مقدس را آدامه دهم سو
اما انتظار و تنها انتظار است که به من جان می بخشد



معنای فقر

روزی پدر خانواده‌ای بسیار مرغه به قصد تسان داد
فقر مردم و فهماندن تهدیدستی مردم به پسرش
سفری را ترتیب داد. آن‌ها چند شبانه روز را در
مزرعه‌ای که متعلق به یک خانواده بسیار فقیر بود
گذراندند.

در بازگشت پدر از فرزندش پرسیده خوب چطور
بود؟

پسر گفت: پدر جان فوق العاده بود
پدر گفته متوجه شدی مردم فقیر چطور زندگی می‌
کنند؟

پسر گفت: آه بل

پدر پرسید: خب از این سفر چه درس‌هایی گرفتی؟
پسر گفت: من دیدم که ما فقط یک سگ داریم
ولی آنها چهار تا، مایک استخراج‌دان بزرگ داریم
اما آنها نهادی دارند که انتها بسی ندارد، ما در یاغمان
چراغ اویختیم در حالی که اسب آنها با تاللو نور
ستارگان بیسمار روش می‌شود، حیاط خانه ما
محصور است اما آنها کل افق را می‌بینند ما در
زمین کوچکی زندگی می‌کنیم اما زمینهای آنها
اینقدر زیاد است که از محصوره دید خارج می‌شود.
ما خانه‌کارانی داریم که برایمان کار می‌کنند اما
آنها خود به دیگران خدمت می‌کنند. ما غذایمان را
می‌خریم اما آنها خودشان تولید غذا دارند. ما برای
حفاظت از خود اطرافمان دیوار می‌کنیم اما آنها
دوستانی دارند که در هنگام لزوم از آنها حمایت می‌
کنند.

پدر در مقابل این سخنان هیچ حرفی نداشت.
سپس پسر گفت: پدر جان متشکرم که به من
نشان دادی ما چقدر فقیر هستیم.

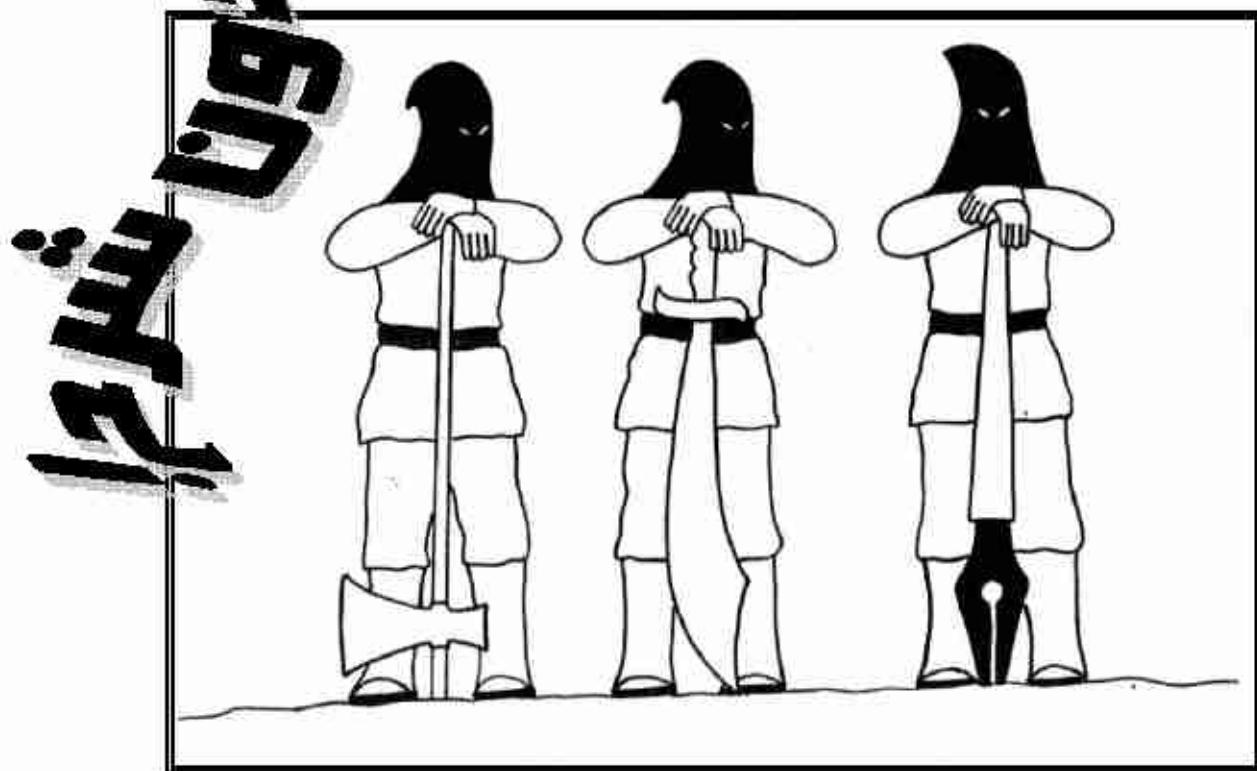
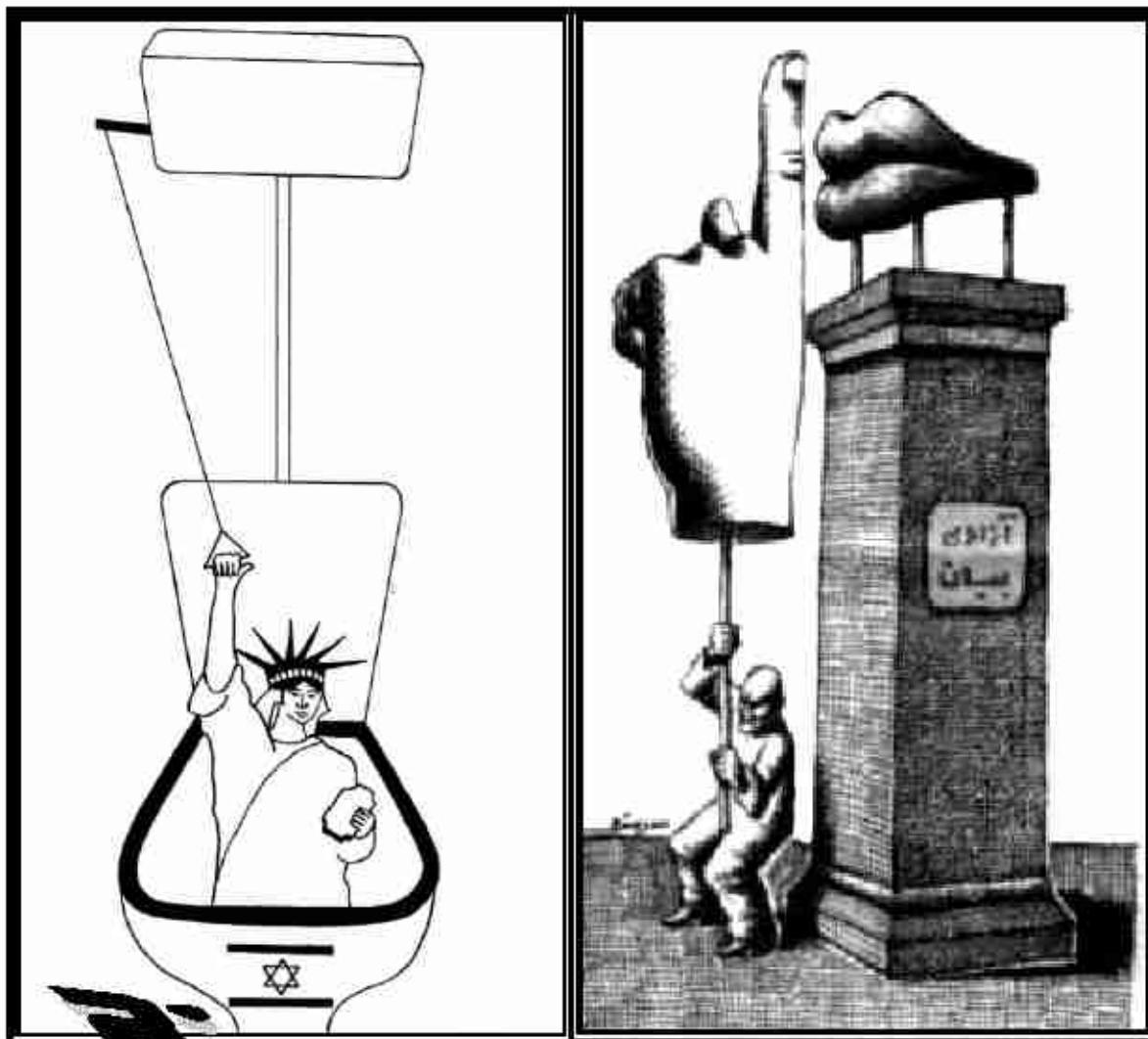
دیو همچنان که کوهها را روی هم می‌گذارد از خاطرات خود برای
برای نقل می‌کند و گاهگاهی هم برای اش را با دقت نظاره می‌کند
و به او خیره می‌شود برای اش ساخت ساخت است و با بد زدن
اسغان به زمین انکار دل دیو سیا ه را به سبیدی اندیشه اش بند
می‌زند. دیو تجربه بیست و چند سال زندگی اش را در میان آدمیان
برای بیوی می‌گوید
ولی نمی‌دانست پری این حرفها را گوش می‌دهدیا نه؟ ولی جز
دیو و پری کس دیگری انجام نمود
دنیای آدمیان دنیای دیگریست با وجود اینکه همه اشان می‌دانند
که راستی خوب است ولی کمتر کسی به راستی فکر می‌کند. در
دنیای ما (کوه قاف) شب را سیا ه می‌بینیم و چمن را سبز و گل را
سرخ ولی دنیای آدمیان پر است از رنگ، همه اش رنگ است ورنگ
است ورنگ من خیلی بیگانه بودم با اینهمه رنگ مردم‌مانشان رنگ
بود و حرفهایشان رنگ، خانه هایشان رنگ بود و زندگیشان رنگ،
اول خیل خوب بود ولی کم کم خسته شدم از اینهمه رنگ از
اینه‌همه رنگی که اصلاً تمامی تداشت، هر روزیک رنگ هر روزیک
نقش و هر روزیک ...

در آن دنیا همه اش ریا بود و همه اش فقط یک نقش عشقانیک
نقش بود و دوستی شایلک ریا حتی خط ابروان دخترانش رحمت
خطیک قلم بیش نبود و حتی سرخی لیان دخترانش هم فقط یک
رنگ بود و همه اش برای چشم بسرل بود که کوتاه و موقتی می‌
بودند مثل رنگ در دنیای آنها برای دل چیزی رنگ نمی‌شد برای
دل رنگی نبود و دلها همه اش از مین رفته بودند برای همین آدم
کوه قاف چرا که برای ام از رنگ دور است و اگر چیزی هم دارد
برای دل دارد نه برای چشم،
آدم تا کوه قاف را دوباره سازم و داستان هاییان را برای آدمیان
بفرستیم، آدم تا بگوییم رنگ آسمان و کوههای کوه قاف پایدار
است و پایدار است.

آدم برای جامعه‌مندی آدمیان چهار هزار سال دیگر، داستان کوه
قاف پسازیم.
آدم در کوه قاف که ردیای زندگانی می‌ماند ردیای روز هم می‌
ماند، ولی با زندگی در میان آدمیان هیچ ردی نخواهد ماند

ما برای حفاظتا از خود
اطواعمان دیوار می‌کنیم اما
آنها دوستانی دارند که در
هنگام لزوم از آنها حمایت می‌
کنند





حَسْنَةٌ نُوْلَى
حَسْنَةٌ لِبَيْتِهِ
حَسْنَةٌ مِبَالِهِ
حَسْنَةٌ لِزَمَانِهِ



قط شیخان

صلیح کلبی

حَسْنَةٌ نُوْلَى
حَسْنَةٌ لِبَيْتِهِ
حَسْنَةٌ مِبَالَةٌ
حَسْنَةٌ زِنَانَةٌ



صَدَقَ حَلِيدٍ

فَطَشَافَر

شکایت

درد من درد محبت، درد عدل
هر کجایی که پا نفهم ظلم است و فخر
و آدمیت پر کشیده از فهم دهنده
ادمی نیست و گر نام او انسان باشد
کنده از نام وجاه و امکان باشد
آدمیان همه غرقند وندانند که شمعدانها
از هوا خفه درد هوی خواهیها
دمی دیگر نتوانند زیستن
اوه، دیگر نتوانند زیستن
اوه
دیگر نتوانند زیستن.

رویک سرگردان

**غروب اشک**

دوباره این قناری
کوچه باغی را هوس کرده
هوای میله ناگه از قفس پریدن کرده
الا ای نابی اوه از دفعه تقدیر
همنوشه
که احساس مسیما گونه ات کار نفس کرده
بس است ای واژه های سرخ اشک
این دیده را تعمید
(هن گلستانه اش را
در مقابل اشک ملس کرده
همان شد قصه من در همجه اشک تنها
که دریا در تلاطم با تن بی هان نفس کرده
چه بی صبرانه در باغت
دلم چون باد من پیهد
که تا باور کنی از باور غیر تو بس کرده
برای آفرین ای غصه ها ای اشکها
بدوند
دلم آهنج کوچیدن به فتوای هرس کرده

خلاصه هیرر رضوانی (بیشتر)

مرا شور تردم نیست امشب

به گل من گفت بلبل

کزاو بس بن وفای دیده بود اما

به جانش دوست من داشت

دگر از من نفوای دید پیک یا پیغامی

سرودی شادمانه، ننگ یا نامی

و گر گه گاه من فوام، نه آواز است

خغان روح فسته یا دل بشکسته اوه باشد

صدای نفرت انگیز ققادن، فرد گشتن

تفیر است این، تفیر تلغخ نا کامی

دلم دلتانگ پرواژ است

ولی بی تو نه، هتن تالیب بامی

نه، درگ طاقت ماندن ندارم

قبل داری گل نامه بالم

په کردی با فزان آباد یام

که دیگر طفل گریان دلم را

تواناین فواباندن ندارم

سید محمد حسینی (سریحا فق)

درد دل

این درد خفته را به که باید گفتن
این ناله جانکاه شقایق را به که باید گفتن
غم این عالم و درد و دل ما
همه جمعند در این دل دیوانه ما
محرمی نیست که باب دل خود باز کنم
ناله از درد زمانه بر آنیار کنم
دل ما می روید از دست، خدایا مددی
بهر ما نیست مگر جانب فریاد رسی
خشته ام من پربالم سوخته
جسم آرام ولی روح و روان افروخته
دوستان، دسمان، ای مردمان
درد من از عشق و از مجنون نی است



کجا و هن

هشتمهای آرام

به ندرت دوست می دارند
اما وقتی عاشق می شوند
آذرفشی از آنها بر می گهد
همچنانکه از گنجهای طلا
آنها که ازدهلیان از هریم عشق
پاسداری می کند

(فرد ریش ویلهلم نیچه)

دو قرص نان، اگر از گندم است اگر از جو
دوتای جامه، اگر کهنه است اگر از نو
به چار گوشید ایوان خود به خاطر جمع
که کس نگوید از این جای خیز و آنجا رو
هزار بار نکوت به نزد این یمین
ز فر مملکت کیقباد و کیخسرو
«این یمین فریومدی»

زان یار دلنوازم شکریست با شکایت
گر نکته دان عشقی، بشنو تو این حکایت
بی مزد بود و منت، هر خدمتی که کردم
یارب میاد کس را مخدوم بی عنایت
رندان تشنه لب را این نمی دهد کس
گوین ولی سناسان رفتند از این ولايت
در زلف چون کمندش ای دل! مییج، کاتجا
سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت
در این سب سیاهیم گم گشت راه مقصود
از گوشه ای برون آی ای کوکب هدایت!
هر چند بردی آیم، روی از درت نتابم
جور از حبیب خوشت، گز مدعنی رعایت
عشقت رسد به فریاد از خود به سان حافظ
قرآن زبر بخوانی در چارده روایت
حافظ،

آنجا روم، آنجا روم، بالا بدم، بالا روم
بازم رهان، بازم رهان، کاینچا به زنهر آمدم
من موغ لاهوتی بدم، دیدی که ناسوتی شدم؟
دامش ندیدم، ناگهان در روی گرفتار آمدم
ما را به چشم سر بین، ما را به چشم سر بین
آنجا بیا، ما را بین، کاینچا سبکبار آمدم
از چار مادر بر ترم وز هفت آبا نیز هم
من گوهر کانی بدم، کاینچا به دیدار آمدم
«مولانا»



سمبولیسم

آشنایی با مکتبهای ادبی

سمبولیک کلمه یونانی است و به معنای به هم چیزاندن دو قطعه مجزا که از فعل سومبالو (sumballo) (من بیندم) مشتق است و حاکمی از چیزی است که به دو قسمت شده باشد مثلاً تصور کنیم به دو نفری که همدیگر را تمنی نشاند تیمه ای از یک اسکناس را که به طور نامنظم دو پاره شده باشد بدنهند تطبیق آن دو پاره‌ی اسکناس به آنها اسکان می‌دهد که همدیگر را بشناسند و به هم اعتماد کنند.

در آغاز صده‌ی توزده، در آن دوران که هریک از مکتبهای جنبش‌های امپریالیستی از جهان هنر و ادب را ویژه خود ساخته بود، جنبش دیگری به نام سمبولیسم با به عرصه‌ی هستی گذاشت. این جنبش در حقیقت شورش و عصیان نسل جوان در برابر تمام هستی‌ها و پدیده‌های اجتماعی و هنری و اخلاقی بود. سمبولیسم مکتب ادبی بود که بدینی و نویسندگانی را با وهم و رؤیا، همراه با احساس و خیالی ژرف و نیز در هم آمیخته بازیانی آنکه از کتابه و اشاره که ویژه‌ی خود این مکتب است بیان می‌داشت. تلقی سمبولیستها از کلمه سمبول را نیز می‌توان از این تعریف ژول لومنتر استنتاج کرد: «تطبیقی است که فقط جزء دوم آن به ما داده شده است، دستگاهی از اشعارهای بیانی».

در تعریفی که یونانیان از سمبول کرده‌اند باید گفت که مفهومی که ما امروزه به کار می‌بریم از چار چوبه‌ی اتفاق صور بلاغی که در علم بیان آمده است تجاوز می‌کند. لوتان توفوروفر زبانشاس و نشانه‌شناس معاصر در قصی از کتابش با عنوان زبان و همزادهایش چنین می‌نویسد:

سمبولیسم تنها بر بایه‌ی «اصالت احساس» تکیه داشت و هنرمندان این مکتب برای احساسهای خود به هیچ اصل دیگری از هیچ منطق و واقعیت دیگری بیرونی نمی‌کردند.

دو عکس العمل متصاد ایجاد می‌کند همانطور که انسان تحواسته به آسانی قبول کند که زمین مرکز عالم نیست، یا اینکه خردگانه فرماتراوای حرکات ما نیست، همانطور ادعا می‌کند که زبانیگانه شیوه بازنمایی است و این زبان فقط فقط از نشانه‌ها تشکیل شده است و دقیق تر اینکه چون انکار بطورکلی مشکل است بهتر بگوییم که ما سرداران بالغ و طبیعی غربی معاصر از صفهایی که بسته به اندیشه سمبولیک است برکناریم و این سیمبل سازی فقط در دیگران است.

جریان سمبولیسم در سال 1890 به دوره‌ی فعالیت خود رسید. یک نسل شاعر از سال 1855 تا 1901 به بیرونی از سه پیشوای بزرگ سمبولیسم پرداختند، اغلب این شاعران، فرانسوی نبودند مثلاً چند شاعر بزرگ بلژیکی در میان سمبولیستها بود که درین آنها از اصیل

ورآرن و موریس متزلینگ می‌توان نام برد چند نفر آمریکایی و روسی نیز در میان آنها وجود داشتند و به طورکلی سمبولیسم جهانی به خود گرفته بود. به این ترتیب می‌توان گفت که شاعران کسانی بودند که به تفکر سمبولیک روی آورند و در نتیجه مرحله کمالاً تازه‌ای در ادبیات جهان آغاز شد، تأثیرهای تماشده که مردم با وجود هجوم تمدن امروز و قواعد زبان شناسی سمبول محکم و پایر جامانده است.

رؤیا و تخیل که ((بیوزیتیوسم)) و ((ریالیسم)) می‌خواست آن را از عالم ادبیات برداشت دوباره با سمبولیسم وارد ادبیات شد. در عین حال سمبولیستها مایل بودند تر عین خال سمبولیستها مایل بودند که تمام قواعد دستور زبان را عوض کنند پیش از سمبولیستها اصلی که حاکم بر روابط کلمات بودند اصولی معقول و ادراک پذیر بود ولی سمبولیستها ادعا کردند که این اصول فقط باید احساس پذیر باشد و کلمات را ته ل روی قواعد منطقی، بلکه آن طوری که شاعر احساس می‌کند باید با همدیگر ترکیب کرد.

یکی از مهمترین مجلات سمبولیستها در آغاز کار (La revue vagnenienne) نام داشت که در سال 1885 انتشار یافت، سمبولیستها می‌گفتند که وزن های شعری مخلصه را از حرکت باز میدارد و بالهای خیال را می‌بندند و مخالف سمبولیسم است از نویسنده‌گان سمبولیست موره آسپیوتانی،

استوارت صریل و ویله گرفین آمریکایی، تیودور دوویزرو/ لهستانی و استفان گیورگه اسلانی و آرتور سیمونز راسی توان نام برد.

سمبولیسم تنها بر بایه‌ی «اصالت احساس» تکیه داشت و هنرمندان این مکتب برای احساسهای خود به هیچ اصل دیگری گردن نمی‌نمادند و از هیچ منطق و واقعیت دیگری بیرونی نمی‌کردند. یعنی موره آس در عین حال نوعی رمان سمبولیک را می‌سند که بر بایه‌ی تصور نفسانی و واقعیت پایه گذاری شده باشد و از طرف دیگر آثار تیودور و رمان روسی اثر لوتزن ملیکورد و ووگه ادبیات شمال اروپا را به فرانسویان می‌شناساند.

از آنجا که سمبولیکها به سیزده جوین با هر قید و بند منطقی و ریالیستی در شعر و هنر برخواستند، این شیوه در هنر تئاتر نیز اثر



ضرب المثل های جهان

- ⑤ ممکن است به حقیقت توسری زد ولی هرگز نمی توان خفه اش کرد (لاتین)
- ⑤ ما همه دنیا را همچنان ترک می کنیم که موقع تولد آن را یافته (مالت)
- ⑤ مانند علماء بنویس و مانند توده حرف بزن (هندي)
- ⑤ مرد با جمیش و مرغ با بالش اوج می کند (آذری‌جانی)
- ⑤ کسی که گل سخ را دوست می دارد، خار راهم دوست دارد (کردي)
- ⑤ ماهی ای که باید در آب زندگی کند تباید تماسح را دشمن خود بسازد (هندي)
- ⑤ مشورت با کسی کن که به گریه ات می اندازد ته با کسی که تو را من خنده‌اند (تازی)
- ⑤ لذت‌های ماسطحی و دردهای ماعمیق است (چیني)
- ⑤ کسی که در جستجوی خوبی‌خی از خانه خود بیرون می رود دنیال سایه‌من روود
- ⑤ لکه در طلا و عیوب در مرد دانا زود دیده می شود (فلاندی)
- ⑤ کسی که در هنگام بیماری به یاد توست، پس از مرگ هم به یاد تو خواهد بود (کنگوی بلژیک)
- ⑤ زیرکی بسیار موجب جوانمرگی است (آذری‌جانی)
- ⑤ رخمی که از چاقو رسیده درمان می‌باشد، رخمی که از زبان رسید درمان نایدیر است (ترکی)
- ⑤ سوسک به بجه اش می گویند قربان دست و پای بلورت (فارس)
- ⑤ الوجه از الورنگ می گیرد، انسان از انسان (افغان)
- ⑤ انجده در دیگ است در کاسه می‌اید (افغان)
- ⑤ از صد خوبیش یک همسایه بیش (افغان)
- ⑤ از مردم ابله و نادان بگیر (افغان)
- ⑤ امروز نیکونی، فردا نیک انجامی (افغان)
- ⑤ آن که رفیق خوب دارد نیاز به ایننه ندارد (افغان)
- ⑤ چون قضا اید طبیب ابله شود (افغان)

بخشیده و روایجافت و نمایشنامه توسان بزرگی همچون موریس مترلینگ به شوهی سمبولیسم نمایشنامه نوشته‌ند و از آنجا که این دسته هنرمندان اصول، استوار و پابرجایی راپرتوی نگردند و با زبان ویژه رعنی خود سخن از احساس و روبا و خیال به میان آورند، هر کس از خواندن آثار آن به اندازه‌ی تیروی درک و احساس خود، چیز خواهد فهمید.

نمایشنامه‌های مشهور سمبولیک عبارتند از دختری با دستهای بریده اثر پیپر کلار و یک نمایشنامه مذهبی با شخصیت‌های بی‌نام که بیرون از زمان و مکان اتفاق می‌افتد و نیز افسانه‌ی آنتونیو اثر ادوارد تراپن.

اما پهترین تمونه‌های نمایشنامه سمبولیک را می‌توان در عیان آثار موریس مترلینگ پیدا کرد، همه نمایشنامه‌های مشهور مترلینگ شبیه هم هستند که از نمایشنامه‌های مترلینگ که شهرت زیادی کسب کرده نمایش کوچکی است به نام اندرون خانه (Interieur) این نمایشنامه خانواده‌ای را به نشان می‌دهد که این خانواده هنوز خبرنگار دکه‌بکی از چه هایش در آب افتاده و غرق شده است اما دقایقی که فاصله‌ی میان غرق شدن بجه و خبردارشدن خانواده از این حادثه استدیک نوع تشویش و اضطراب می‌بهم و نامه‌هومی برخانواده مسئولی می‌شود و با این که هنوز خبری از حادثه ندارند احساس می‌کنند که

محبیت قدم به قدم نزدیک می‌گردد این نمایشنامه‌ها و آثاری که بعداً انتشار یافته‌ند همه در سرزمینهای خیالی و در دوره‌های نامعلوم، در فصیرهای اسرارآمیز و غارهای عجیب جریان می‌باید به عقیده‌ی نویسنده‌ی سمبولیست این نیروی مجھول همیشه وجود دارد که در هر زمان و هر مکانی بر انسان مسلط می‌شود پیش‌ای این مکتب در فرانسه شارل بودلر بود که بهره‌ی زیادی در برانگیختن این جنبش دارد در انگلیس نیز جورج موریا اثرخود دو شاعر ناشاخته رمبو و ورلن را به انگلستان شناسانده بود و از تعریف سمبولیست وجود داشت که والری بریوست در اس آن قراردادشت.

سمبولیسم در هنر جسم
draobil قرن بیستم چنین به نظری می‌رسید که سمبولیسم دوره‌ی خود را تمام کرده و از میان رفته است. مشهورترین نمایندگان این مکتب از قبیل زان موره اس و هاتری دورنیه از آن دوگردان شده و در جناح مخالف قرار گرفته بودند.

هدف شعر سمبولیک:
هدف شعر سمبولیک این است که عظمت احساسات و تجیمات را با تشریحات واضح و صریح از میان نزیرم و برای این کار باید محیط را که برای شعر لازم است به وجود بسازیم، یعنی خطوط زنده و بسیار روش را محو رنگی بسازیم.





با فرزانخان

ام البنین میرزا ایی (کارستان پرسنلی)

استاد محمود طرزی (پدر زورنالیزم افغانستان)

دوم قوس (آذرماه) هفتاد و پنجمین سالروز درگذشت محمود طرزی پدر زورنالیزم افغانستان است. مردمی که علم و ایمان را با تعهد و عشق به وطن و آزادی به هم آمیخت و نمونه شایسته ای برای روس‌فکران و میهن پرستان متهدگردید. برای شناخت این مرد از اده باید به دو جنبه اساسی توجه نماییم:

۱- محمود طرزی که چه بود؟ بیوگرافی و شرح حال وی خدمات و

فعالیتهای وی

۲- جنبه های شخصیتی و آموزهای تربیتی و فرهنگی و فکری وی که چه بود که منشأ خدمات ارزشمند ای گردید و به نام پدر مطبوعات نامیده شد

I- محمود طرزی که بود؟

بیوگرافی: محمود طرزی شاعر، نویسنده، مترجم، روزنامه نگار و دولتمرد سیاسی، تاریخ معاصر افغانستان است. تولد او در اول سپتامبر ۱۲۴۴ش (اگوست ۱۸۶۵م) در جوار مرقد سلطان محمود درغزنه است. پدرش توسطا عبدالرحمن خان به هند تبعید شد. محمود در این زمان در استانه ۱۷سالگی بود از سال ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۵ میلادی در کراچی زندگی کرد و زبان اردو را آموخت. در سال ۱۸۸۵ به بغداد رفت و زبان ترکی را نیز آموخت. در سال ۱۸۸۶م به دمشق رفت و زبان عربی را فرا گرفت و تا سال ۱۹۰۰م مطالعات وسیع خود را در ادبیات، حقوق، سیاست، اجتماعیات و مبادی علوم طبیعی لامه داد در همنین ایام تاحدودی زبان فرانسه را هم آموخت و با رجال بزرگ ترکیه و عرب محشور گشت. پدرش در ۷ دسامبر ۱۹۰۰ در مشق رحلت کرد. محمود طرزی بعد از ۲۳ سال به دعوت امیر حبیب الله به کابل بازگشت و به بیگن صاحب شهرتیافت. او به مدت ۸ سال نشریه سراج الاخبار افغانیه را سرپرستی نمود و بیش از ۳۰ کتاب تألیف، ترجمه و تدوین نمود.

نکته: مسئله ای که ذکر آن ضروری به نظررس و سد اینکه سرینجه استعمار گلوبی سراج الاخبار اول را در سال ۱۳۲۳ق گرفت و جزیک شماره منتشر نشد. ولی ۶ سال بعد امیر بنا به عالی همجون اقتضای حصر و اجراء محیط به محمود طرزی اجازه نشر مجدد آن

را داد که منبع سیاری سیاسی و زمینه پیروزش تخم مشروطه خواهی و آزادی خواهی گردید خدمات و فعالیتی فکری فرهنگی و سیاسی استاد محمود طرزی:

۱- تحریک بنای زورنالیزم و فکر جدید در افغانستان؛ که او را پدر صحافت و تجدید افغانستانیا پدر زورنالیزم می نامند به خاطر انتشار سراج الاخباره مدت ۸ سال (از ۱۶ میزان ۱۲۹۰ تا ۲۷ قوس ۱۲۹۷ش) (۱۳۲۹-۱۳۳۷ق)

۲- استوار ساختن سبک تعریفی دری و رواج تأثیف و ترجمه و راه اندازی چاوخانه و اصول چاپ به سبک مدرن و امروزی (سال ۱۳۳۷-۱۳۲۹ق)

۳- احیای مجدد تحریک سرکوب شده مشروطت اول و راهنمایی موثر جوانان مشروطه خواه دوم و ترویج و اشاعه تفکر آزادی خواهی و تجدید حلبي، اصلاح حلبي و پیروزش جوانان اقلابی و فدائکار.

۴- بعد از اعلان استقلال در سال ۱۹۱۹م به عنوان اولین وزیر خارجہ کابینه امیر الله خان منصوب گردید و خدمات ارزشمند ای مانند تشکیل وزارت خارجه و نمایندگی دولت در مذاکرات تحصیل استقلال از هند بریتانیوی را در سال ۱۹۲۱م به عهده داشت و بعد از آن تأسیس صفارتهای افغانستان در لندن - پاریس و مراکش دیگر جهانی و راهنمایی در زمینه سیاست خارجی به شاگردان و جانشینان خود.

۵- توجه به تهضیت زبان و گشايش مکاتب زنانه به وسیله دخترش ملکه ثريا و انتشار نشریه ارشاد النسوان کابل به وسیله اسماء همسرش و روح افزا برادرزاده اش (در حمل سال ۱۳۰۰ش)



الدینیک معدن عرقان بود این ۷ ماهه مصاحبت من با اوهه قدر ۷۰ سال سیاحت در بر دارد». مبارزه سید بر دو اصل استوار بود الف - مبارزه با استبداد داخلی شاهان و حکمرانان در ممالک اسلامی.

ب - مبارزه عتیف با امپریالیزم مخصوصاً با عمال شاهنشاهی انگلیس و تهدیات آنها در ممالک شرقی و اسلامی تمام این آموزه ها و مناظر بیداری با تلقینات سخرامیز سید جمال الدین در ذهن محمود طرزی نقش می بست و او را پیش از پیش

آماده خدمت به وطن می نمود طرزی با این اندیشه های رستاخیز به فکر وطن و استبداد امیرعبد الرحمن و پسرش حبیب الله من افتاد که کارنامه مبارزاتی عاقلانه و پرقدیر خاموش اما همچنین محمود طرزی شاهد این مذکور است.

۳- تلاش و مجاہدت شخصی او در تکمیل نفس و خصوصیه باز وطن پرستی طرزی؛ محمود در جوانی زبانهای پشتون، دری، اردو، عربی، ترکی و تا حدودی فرانسه می داشت و شخصاً به مطالعات جدید در ادبیات و علوم پرداخت و در تکمیل و تهدیب نفس کوشید این تلاش و ثوف شخص او بر چیزهایی که از پدر و معلم اندوخته بود خیلی افزود و چون همواره در صدد بازگشت به وطن بود می کوشید تا از انجا ارمغانهایی برای وطن خود آرد که به درد ایشان بخورد و چیزی را فراهم سازد که قبل از او نیاورده باشدند. در حقیقت حب وطن از مفکره های اساسی محمود بود از سروده های اوست:

شد سالها ۵۶ داغ جدایی و فرقتن
می سوقت همچو شمع دل و هان عاشقت
شیها بهیداد وصل تو بن فواب مانده ام
در (۹)ها به فکر تو در تاب مانده ام
هرعلم و فن که فوانده و تمصیل گرده ام
نیت برای فدمت نفع تو بوده ام
ای هاک پاک و ای وطن فوش آمین من
محشوق من، مبیب من و دلنشیمن من
مسعده داش و شاد بزی تا ابدیمان
در هفظ و در ترقی و در امان
اشک آور بلاد تمدن نشان شوی
در شرق همچو شمس در فشن عیان شوی

طرزی (در سال ۱۹۲۲م) وزیر مختار افغانستان در پاریس شد و در سال ۱۹۲۴ برای بار دوم وزیر خارجه گردید و در سال ۱۹۲۷ جهت معالجه به اروپا رفت و بعد از بازگشت به کابل به امر حاکم وقت (حبيب الله کلکانی) محکوم به اعدام شد طرزی ناچار در سال ۱۹۲۹م به ترکیه پناهندگی کرد و در استانبول سکنی گزید و سوانح ام در تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۳۳ مطابق ۲ قوس ۱۳۲۱ش در سن ۶۸ سالگی در اثر سرطان کبد و در غربت درگذشت.

از اشاره اوست:

در غربت اکر مرگ بگیرد بدن من
آیا که کند قبر و که دوزد کفن من؟
تابوت (ا) بدر سرگوهي بگذاري
تا باد، و زد به سر آن از وطن من
چنه های شخصی و آموزه های فکری -
تریتی و فرهنگی استاد محمود طرزی
غایر اند از:

۱- خد انگلیسی بودن خاندان او: پدرش، غلام محمدخان طرزی زیر برق انگلیس در کراجی نتوانست زندگی کند و ناجا به دولت عثمانی بناه بود و تا آخر عمرش در آنجا ماند. محمود لیز که از کوکبی بدين روچه پرورده شده بود، تا آخر عمرش بر این تفکر استوار ماند و تا جایی که گردار و گفتار و نیرویش کارمی گرد برضد نفوذ استعمار بریتانی مقاومت و مبارزه کرد.

۲- تأثیر محیط ایام جوانی:

محمود از اوایل بلوغ و ایام جوانی با بدترین وضع از وطن تبعید گردید و شهرهای چون کراجی، بخارا، استانبول و دمشق را دید و پس از آثار مذهبی اروپا مانند (راه آهن، برق، چاچانه، تشریفات گوناگون و....) برد و مصمم شد که وطنش رانیز از آن پیش رفتها برخوردار نکند. این دوران با نهضتهای علمی و صنعتی در اروپا همراه بود که تأثیر شگرفی در شکل گیری پایه ای فکری محمود طرزی داشت.

مقارن سالهای سکونت محمود طرزی در ترکیه (سال ۱۸۹۶-۱۹۱۴ق) علاوه سید جمال الدین افغانی که کمزیه بیدار ساختن ملل اسلامی از ترک و عرب در ایران و هند و... بسته و به استانبول آمد بود. سردار طرزی پدرش، محمود را همراه با نامه ای به سید جمال الدین به استانبول فرستاد تا از محض رسید فیض کافی ببرد.

محمود این جوان پرشور افغان با پیشوای از دیخواهان شرق، چندین ماه در استانبول محسوب شد و از دم مسیحیانی آن مرد گرانجایه، سور و بیداری او افروزتر گردید. وی می نویسد: «علامه سید جمال





دانایی تمام به مفعول، ولی عشق ابراز یک حس بطور کور کورانه میباشد، خلاصه کلام با این همه مقدمه چنین که خوب خوب است و بدید و از خوبی کسی بدی نمیبیند در نتیجه خوبی و بدی به خود ادم پار میگردد. تمیتانم چرا در جامعه خوبی دیده تمی شود؟ چرا صداقت نیست؟ چرا همه زندان و همه جا رتد پاری، چرا همه به فکر خود هستند ولی به فکر جمع نیستند و حل آنکه همه از جمع اند، چرا نیمی از مردم از گرستگی طدرد شوند و نیمی دیگر از پر خوری؟ چرا نیمی از مردم چربی خون داشته باشند و نیمی دیگر سوء تغذیه و چرا؟ چرا؟ چرا؟

تهاجم فرهنگی و فرهنگ تهاجمی و تهاجم فرهنگی یکی از اقوام که در قم زندگی میکرد و در دانشگاه هم تحصیل مینمود دختری است منطق پذیر که در کارهای هنری و فرهنگی توانایی دارد. سالها پیش به دنبال کارهای فرهنگی ایشان به مصاحبه ای از طرف صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران از ایشان بعمل آمد که ایشان فعالیت های بجهه های مهاجر افغانی در زمینه فرهنگی و هنری و سرا معروفی تموبداند.

حالب اینست وقتی که خود ایشان مصاحبه خود را از تلویزیون مشاهده کردند به یک نکته جالب و عجیب بین برداشتند و گفتند این صدا با این تصویر همخوانی ندارد (ایرانی میشکسته) و از همه جالب تر در مدت کمی آن جان تعجب در رفتار و تکفار ایشان حاصل شد که نقطعه سوالی برای دیگران شد می گفت این خودش خیلی خوب است که آدم از لهجه و فرهنگش خجالت نکشد و از اسمش خجالت نکشد و از فرهنگش خجالت نکشد. داستانی جالب تعریف کرد که یادم نمی روید تروزگاری در جای دوری (شاید اطراف کوهه قاف) دسته ای از کلااغ ها زندگی میکردند که در میان آن ها زاغی بود باعکسکارهای جالب و بدبخت یک روز زاغ قصه ما در فکر فرو رفت که چرا زاغان برای امرار معانی چنین زحمت کشند و حال آن که کبوتران در لعمت زندگی میکنند و خلاصه یعنی از چند روز فکر و فکر به این نتیجه رسید که بزود و کبوتر شود که ادمیان بر کبوتران دانه بزندند و بر کلااغان سنگ پرانند. زاغک رفت خود را به نهضت سقیدی رنگ زد و در جامعه کبوتران چند روز از نعمت آب و دانه بهره میگیرد تا این که خصلت زاغی ایشان از قلچ قاقی که نهضت بر همه کبوتران آشکار گردید و چون کبوتران ایشان را در قطربت زاغ دیدند او را طرد کردند. زاغ در مانده هر چه انتقام کرد کمتر نتیجه

باور کنید خوب خوب است

آسمان می داد می گند: زمین هنوز از تملثای او خسته نشده است با این وجود هر روز با صحیح شروع و با غروب تمام می شود در میان آدمیان، امروز (نامطلوبها) زیلا می شود فقر، تنهایی، بدیختی، دوری از دین و خدا دشمنی و در کل بدی مانند کویری قلمروی آبادانی، رفاه و دوست و جامعه و خوشبختی و دیانت و در کل ((خوبی)) را تهدید میکند، و هزاران ((چر)) برای پیدا کردن راه کارها می چراید

پیکر جامعه مدنی امروز نقش انسیهای دلخراشی را هر روز به من و شما تمایان میکند که خیلی هم مهم و اساسی است شاید بیشتر از نقش یادگاری روی درخت، یا الودگی هوا یا حتی لایه اوزون همه افکار به طرف لایه اوزون میرود ولی غافل از..

راه حل چیست:

یک منطق خیلی ساده و خیلی جامع به نام منطق فازی (فازیک) میگویند اگر آسمان آبی باشد خورشید خواهد درخشید با اگر خورشید بدرخشنده اسطلن آبی خواهد بود در این زمان زمین با جز نیاتش دیده خواهد شد: زیباییها و زشتیها، زیباییها که خوب هستند در آن جای شکن نیست ولی در مورد زشتی ها و خورشید چه میتوان گفت؟ روشائی خورشید باعث میشود که رشتی ها هم دیده شوند خود رشتی ها که خوب نیستند ولی اینکه دیده میشوند و توانیده تضمینهای خودش خیلی خوب است زیرا با این کار معلوم میشود و ماهیت خود را صاحب میشود و مجهول باقی تمن مانند این منطق به طور خیلی ساده و سیط خوبیها و خوبی را مطلوب فرض میکند و غیر آن را نامطلوب: و گرایش به خوبی، خوبی می اورد و گرایش به بدی، بدی می اورد. و حال در زندگی اجتماعی اگر خورشید محبت و حقاً و آشکار سازی و فضاحت بتأثیر خلنه ها و لبخندها و نگاه ها دیده خواهند شد. حسها و لطفتها و خلاصه همه چیز دیده خواهد شد و برتوی محبت و فضاحت باعث خواهند شد که مجهولات تا حدی تعريف شوند و هشداری شوند برای رهروان. و از نعمت پند و تحریه مجهولات استفاده نمود

مجهول یک نامطلوب است و وقتی که حل نمود میشود مطلوب. با این منطق میشود مجهولات را مطلوبات ساخت. شریعتی میگویند: دوست داشتن از عشق ورزیدن به نوبه ای بهتر است، زیرا که دوست داشتن ابراز یک حس اگاهانه است با اگاهی و



چه دانشجویی چه فیلمی را می پسندد

دانشجوی معناد ساقی	
دانشجوی روانشناسی محبتین	
دانشجوی پرخور مهجان مامان	
دانشجوی لال کوبلا	
دانشجوی الهیات مصائب مسیح	
دانشجوی ترشیده دختران انتظار	
دانشجوی پهدائست سگ کشی	
دانشجوی تاریخ مومیایی ۳	
دانشجوی ادبیات شمعی در باد	
دانشجوی مامانی متولد ماه مهر	
دانشجوی پرستاری تم	
دانشجوی پزشکی درد پنهان	
دانشجوی هواشنیری چکش	
دانشجوی شیمی کیما	
دانشجوی اقتصاد بول تو جیبی زنانه	
دانشجوی فلسفه ماریج	
دانشجوی رادیولوژی مردل X	
دانشجوی مکانیک پلیس آهنی	
دانشجوی مشروطی من خواهم زنده بمانم	
دانشجوی اخراجی بازتده	
دانشجوی شهرستالی خوابگاه دختران	
دانشجوی شب امتحانی کمک کن	
دانشجوی محیط زیست آواز قو	
دانشجوی گیاه شناسی رز زرد	
دانشجوی علوم سیاسی اعتراض	
دانشجوی دندان پزشکی حیج ۱، ۲، ۳	
دانشجوی هنر و موسیقی هفت ترانه	
دانشجوی جغرافیا سفر به اعماق زمین	
دانشجوی اختر شناسی جنگ ستارگان	
دانشجوی عاشق عشق، نان، موتور ۱۰۰۰	
دانشجوی فارغ التحصیل نقطه سرخ	
دانشجوی بی پول بوتیک	
دانشجوی گرافیک کاغذ بی خا	
دانشجوی زیست شناسی مارمولک	
دانشجوی فراری دختری با گفشهای کنایی	
دانشجوی شیگردد در اهتماد شب	

ام البنین میرزا بی

گرفت و نهایت اینکه گفت: نگذارید مرا در جمع خود نگذارید میروم
میان زاغان، آن ها از خدا میطلبند و جون در میان دوستان قدیمی
آمد همه به رنگ او ابراد گرفتند که زاغ سفید و مضمونه ملت است
و ناخون نشان! زاغ بیچاره بدون کدام چاره ای تنها شد
باید کیبورتر نشود که کیبورتران زاغان را در خود راه
نمی دهند و زاغان زاغ سفید را.

بیا با هم پرواز کنیم:

پرنده ای که مرد یه من یاد داد پرواز را به خاطر بیار؛ پرنده
مردینست بیا باز هم اتیام زخم بال های با هم پرواز کردنغان باش
در انتظارم. چشم های خود را میان خا کهای بیام تو میگذارم تا
ستگ لیانت سکوت تیشه ها را بشکند
چشم براه پیام شما هستیم

خوانندگان محترم: از چاپخانه کلیک چه انتظار دارید؟

متقدان گرامی باز چاپخانه کلیک چه انتظار دارید؟
از شما نویسنده محترم و عزیز و گرامی و هوجه که بکم کم
کنتم، خیلی خیلی سپاس گذار میباشم.
مگر خودمان از خودمان تعریف کنیم. خواهش بیکنم بتوان ۲
قابل شما را نداشت تا باشه از این زحمتها.

WW SALMIN Dat.com
لطفا مزاحم شبکه ایمیل ما نشود جون کار فراوان و فلوس لا
موجود.



های وحی و داده های ناشی از مشاهده و استنتاج از طریق استدلال صحیح را در کرد.

شهر خدا: غرض از تالیف آن دقایق از مسیحیت در مقابل کسانی بود که پیدا شده مذهب مسیح را مستول سقوط رم می شمرند. این تالیف کتاب پاسخ به کسانی است که میگویند خدایان به خاطر حفظ امنیت اراضی پاستی مورد پرستش قرار گیرند. بعثت های بعدی پاسخ به مجادلاتی است که فیلسوفان ستاینده خدایان رمی و فیلسوفانی که به حقیقت نیکی و زندگی جاوید برای نوع جنس اعتماد داشتند، پیش کنیده اند در ادامه کتاب اگوستین فرصلت میلاد که نظریه خود را در باب جامعه و تاریخ پایه ریزی کند و شنیدن را به منشاء شهر خدا و شهر انسان یکشاند. سپس به ردیابی این دو شهر در تاریخ می پردازد. در پایان توجه خود را به متهای این دو شهر در عالم ابدیت معطوف میدارد. به گفته اگوستن ناشرمانی دو انسان تختستین بار باعث شد سرشنست آن ها فاسد شود و با همان میزان فساد به اولادشان منتقل گردد. میان تمام ملت ها فقط دو نوع از بندگان یافت میشود. یکی مرکب از بندگانی است که طبق تعابرات و خواسته های جسمانی زندگی میکند و گروه دیگر کسانی هستند که زندگی خود را بر اساس تعابرات روحانی ادامه می‌دهند. تقدیر یکی از آن های این است که در جوار سریر الهی حکومت کند و دیگری محاکوم به آنست که در جوار الهی میباشد. این دو شهربانیت ایشانه هایی متنبلور از واقعیت این دو شهر، بت المقدس به عنوان تثنیه هایی متنبلور از واقعیت این دو شهر، حتی قبل از ظهور مسیح نام می برد. بنظر اگوستین بشر فقط در نتیجه لطف الهی میتواند به عضویت این جامعه آسمانی (شهر خدا) بپوشد. بعضی ها این نظریه او را به متزله اعتقاد به قضا و قدر میدانند که اگوستین رخش میکند. لحن کلام اگوستین گاهی این نتیجه استبیاط میشود که شهر خدا و فرقه مسیحی کاتولیک، هر دو بکسان هستند. ولی در اصل به نظر او میان این دو فرقی اشکار است زیرا تعداد بندگانی که به عضویت شهر خدا پذیرفته میشوند، از تعداد کاتولیک ها بیشتر است. همچنین میان کاتولیک های روی زمین سیاراند کسانی که با وجود داشتن اعتقاد به کیش مسیح، موقعی که از دنیا رفته در روزه های شهر خدا را بروی خود بسته خواهند دید. ولی به هر حال میان این دو گروه ارتباطی است. زیرا غالی ترین وسیله برای ببره مدن شدن از الطاف کرده اند، اتحام تشریفات مذهبی است، پس مذهب مسیح هم شعبه ای از شهر خدا در روی زمین است. جامعه ای که اگوستین از آن بحث میکند و از این شهر خدا می داند هدفش در دنیا تحقق بخشیدن به صلح و عدالت است.

عدالت: عدالت در نظر اگوستین عبارتست از مطابقه با نظام عدالت مطلق در درجه اول به نظام آفاق گیری ربانی تعلق دارد. بنظر اگوستین تحکم بحکم بشر بر بشر را سلط انسان بر انسان ناصح و غیر

آگوستین

((آگوستین)) در سال 354 میلادی در الجزایر امروز به دنیا آمد و تا سال 430 میلادی زندگی کرد. چون پدرش شرک و مادرش مسیحی بود از همان اول تحت تأثیرات خد و نقیض قرار گرفت. در نتیجه این تناقضات بدهمان فسق و هرزگی افتاد. در جوانی به مدت دوازده سال مانوی بود وی در میلان، در سن سی و سه سالگی، **امبروژ** اسقف شهر میلانرا ملاقات کرد و به طرز هیجان انگیزی از باورهای گذشته خود دست کشید و به مسیحیت دل سپرد. آنگاه به شمال آفریقا باز گشت و اسوق شهر حیو شد. در مرحله اول وارد ماجراه کاتولیک دوناتیست، که هر کدام مدعی بودند جلوه گاه عرفانی مسیح و تنهای طریق رستگاری در جهان دیگرند شد اگوستین بر انحراف طلبی و سخت گیری دوناتیستها ردیه نوشت. او در زمینه مبارزه با شرک و ارتاداد چنین استدلال کرد که توسل به فشار (به معنای اجبار درونی) برای تنبیه مخالفان مذهبی و اصلاح آنان؛ امری موجه است. وی تنبیه جسمانی را رد کرد، و اخذ جزیه و مصادره اموال را در مورد مخالفان پذیرفت. مواضع او عموماً بر خدم دوناتیست های مانویان و پلاگوسیان (مسیحیانی که چشم بوسی را در برخورد با گناهان افرلا تجویز میکردند بود). اگوستین، تختین متفکر بزرگ مسیحی است که در سراسر قرون وسطی تأثیری شگفت بجا گذاشته است.

((فلسفه اگوستین))

فلسفه او را بطور کلی میتوان در سه قسمت خلاصه کرد

۱- سر خدا، ۲- معنای عدالت، ۳- معنای زمان

اعتصافات: ده فصل نخست این کتاب صرف نظر از برجی قسمتها نظرات فلسفی از قبیل آراء افلاطونی اشارات رفته است، شرح درد و فراق نویسنده است، پیش از آنکه به آغوش مشوق حقیقی باز گردد. در فصل پایانی کتاب، اگوستین به تاویل سفر تکوین می پردازد - در دفتر دوازدهم، آیات اول و دوم از باب نخست سفر تکوین را تاویل میکند. و در دفتر سیزدهم به تفسیر تمثیلی تختستین باب از سفر تکوین می پردازد.

توافق بین عقل و وحی: اگوستین به وضوح ایمان را بالاتر از عقل میداند ولی وی با تأکید میگوید که باور کردن چیزی که فهمیده نشده غیر ممکن است و اعتقاد به پذیرش مسیحیت، بدون تعامل به فهمیدن آن در واقع غفلت از هدف داشتن ایمان و اعتقاد است. اگوستین در شرحی که از سفر آفرینش تحت الفصی نوشت از این مسلم سخن گفته است. او هر گونه تناقض واقعی میان داده



تبليور انديشه

- ۱ در سفر زندگی نشستن در قطاری خوب و زیبا چندان اهمیت ندارد بلکه مهم این است که در ایستگاهی عالی پیاده شوی.
تولستوی
- ۲ آنکه انتقام می‌گیرد یک روز خوشحال است آنکه غفو می‌کند یک عمر.
اماهم على (ع)
- ۳ محرومیت استعدادهای را شکوفا می‌سازد که در خوبیها پوسیده می‌ماندند.
- ۴ اکثر می‌خواهید زندگی را بیاید خود را برای از دست داد آن اماده کنید.
عیسی مسیح (ع)
- ۵ نخا می‌توانید گل را زیور باله گندولی محل است که عطر آن رادر فضا محو سازد.
ولتر
- ۶ دل الله بر سر زبان اوتست وزیان دانای خردمند در کنج دل او.
امام حسن مجتبی (ع)
- ۷ فرصتها به سرعت از دست می‌روند و به کنندی باز می‌گردند.
امام حسن مجتبی (ع)
- ۸ مالی بهتر از عقل و عبادتی بهتر از تفکر نیست.
پیامبر اکرم (ص)
- ۹ برای گسترش دانش خود باید بیشتر از آنچه یاد می‌گیریم فکر کنیم.
دکارت
- ۱۰ از خشم دوری گزین که آغازش دیوانگی و فرجامش پیشیمانی است.
امام على (ع)
- ۱۱ شاید تمده کلام دلنشتی را که امروز بزرگان می‌اورید فردا بچشید.
کلاندی
- ۱۲ کار انسان را از سه بلای بزرگ دور می‌کند: افسردگی، احتیاج و فساد.
ولتر
- ۱۳ اگر می‌خواهی دیگران تو را تحمل کنند آنان را تحمل کن.
فولر
- ۱۴ بزرگترین اختیارمان این نیست که هرگز زمین نخورده ایم بلکه این است که بعد از هر سلطوان به پا خاسته ایم.
- ۱۵ اگر عن خواهید انتزاه تمن و پیترفت را بناید به زنان آن ملت بگزیند نایبللوون
- ۱۶ امروز یک باب مدرسه باز کردن در حکم آن است که ۲۰ سال دیگر در یک زندان را بیندید.
هدود
- ۱۷ ادب خرجی تزارد ولی همه چیز را خربداری می‌کند.
شاه فهاد
- ۱۸ خوشختی مانند عطر است زمانی که به دیگران ارزانی داری بی شک خود نیز از آن بهره خواهی برد.
امرسون

عادلانه است. با اینهمه اگر دولتها بین خلم مصلحت آمیزرا اجرا نکنند هرگز قادر به حفظ نظم و آرامش نخواهند بود. تفاوت بین نظر افلاطون و اگوستین از عدالت در این است که از نظر افلاطون انسان به هیچ جامعه ای وسیع تر از دولتش تعلق ندارد و تابع هیچ قانونی جز قانون دولتش نیست اما در نظر اگوستین هر انسانی عضو یک جامعه ای لایزال و لیدی است که قوانینش بر کون و مکان حکمفر ماست. پس عدالت شهر و افلاطون نسبی است و تغییر تاپذیر است اما قانونی که مظهر عدالت اگوستین است، تغییر تاپذیر است

صلح: صلح از نظر اگوستین، شامل شرکاء و افراد میشود که در توافقی سهیج، هستند اگوستین میگوید صلح و شاد کامن خواسته تمام افراد پسر است و هدف جنگ چیزی جز استقرار یک صلح باشکوه نیست، هم جامعه زمینی و هم جامعه آسمانی هدفشان تأمین صلح و آرامش است هدف جامعه زمینی ایجاد توافق بین انسانهاست اما هدف جامعه آسمانی رسیدن به صلح و آرامش بیزادانی است، یعنی شرکت مخلوقات با خالق شان.

صلح جهانی (آفاقی) اگوستین نخستین فلسفی است که اندیشه صلح جهانی را مطرح کرد. در این باره نیز میان اندیشه اگوستین و افلاطون، فرقی است. صلح میان دولتها ای افلاطونی فقط از این رومت که ارتباطی باهم تدارند و صلح داخلی این دولتها نیز زائیده نوعی توافق و هماهنگی است. اما اگوستین به یک نظام جهانی که همه جهانیان مطبع آن هستند قائل است.

رابطه یک بندۀ مسیحی با قدرت‌های زمینی: به عقیده اگوستین اعضا شهرو خدا به آرامشی که دولتها تامین میکند نیازمندند تا در سایه آن وظایف مذهبی را انجام دهند پس حفظ حرمت قوانین که امانت را تضمین میکند وظیفه دینی است مگر اینکه دولت در حد تحمیل مذهب خود باشد که در این صورت باید از اجرای اوامر آن سر بیچند. پس اطاعت از مقررات جامعه زمینی نسبی است ته مطلق.

بردگی و توجیه آن اگوستین میگوید: اراده الهی قیلاً چنین بود که انسان بر انسان حکومت نکند و تنها حاکم بر جانوران باشد اما سیس به دلیل مضریت های انسانی که رخ داده تغییری در این تقشه حبورت گرفت و بار بندگی بر مشیت بندگان گذارده شد اندیشه اگوستین در مورد بردگی در مجموع رضایت یخش نیست، البته اساس اندیشه ارسسطو درین باره که می‌گوید «بعضی اشخاص قدرتاً برای بندگی کی آفریده شده اند» مورد تکذیب و انکار اگوستین است. به عقیده ارسسطو آن هایی که در موقعیت اربابی قرار دارند، روی هم رفته از بندگان خود صالح ترند اما بنظر اگوستین آن مخلوقی که پاگاه کنونی اش بندگی است. از اصل برای بندگی آفریده نشده و همین امکان برای وی نیز هست که مانند اربابش جزو برگزیدگان باشد پس اگوستین رسم بردگی را محکوم نمی‌کند.



علمی

کار در شب

کار در نوبت شب و زیر نور لامپ احتمال ابتلاء به سرطان سینه را در زنان افزایش می‌دهد. نتایج دو تحقیق جداگانه نشان داده است که کار کردن در ساعات شب و زیر لامپهای قوی باعث کاهش ترشح هورمون ملانوتین و افزایش سطح استروژن در زنان شده و در نتیجه احتمال ابتلاء به سرطان سینه را تا 60 درصد افزایش می‌دهد.

• احتمال محو حلقه های بیرونی زحل

بیوهشنگران احتمال می‌دهند فوران اکسیژن اینی از حلقه‌های بیرونی سیاره زحل باعث محو شدن این حلقه‌ها شود. به گزارش بخش خبر شبکه فن آوری اطلاعات ایران، دوربین‌های مأموری بخش سفینه کاسینی-هنگام نزدیک شدن این سفینه به سیاره زحل تصاویری از فوران شدید اتم‌های اکسیژن از حلقه‌های بیرونی این سیاره به زمین ارسال کردند که به اعتقاد دانشمندان نشانه تحلیل رفت. سرعی حلقه سیاره زحل است و برآورد می‌شود در صورتی که این حلقه ترمیم نشود تا 100 میلیون سال دیگر از این حلقه باقی نماند.

■ ناول سرور جدید خود را عرضه خواهد کرد

ناول سرور جدید خود را با قابلیت‌های بالا به بازار عرضه خواهد کرد. به گزارش بخش خبر شبکه فن آوری اطلاعات ایران، از این‌جا شرکت ناول اعلام کردیک نسخه بتا از سرور شرکتی باز (OES) را در چند روز آینده عرضه خواهد کرد. مسؤولین این شرکت که در کمپریج انگلستان واقع است، می‌گویند این سرور که هسته نرم افزار شبکه تجاری را SUSE ENTERPRISE LINUX9 عرضه خواهد شد تا مورد آزمایش اولیه قرار گیرد. ناول پیش‌بینی کرد که نرم افزار تهایی را در قوریه سال 2005 به بازار عرضه کند به علاوه این شرکت برنامه‌ریزی کرده‌یک نرم افزار واسطه مدیریت عمومی (IMANAGER) را تیز عرضه کند. این نرم افزار به مشتریان اجازه می‌دهد که خدماتی را که به کار می‌گیرند انتخاب کنند OES به عنوانیک گزینه ایده آل برای آن دسته از مشتریان نرم افزار شبکه محسوب می‌شود که در صدد تغییر به سوی به کارگیری لینوکس هستند. این نرم افزار خدمات متعددی را بر روی دو هسته ارایه می‌کند.

با عرضه این محصول ناول، نرم افزار شبکه دیگر به عنوانیک محصول مجزا فروخته تحویل داده شد. هسته باز و خدمات سیستم به عنوان بخشی از خدمات شرکتی باز در آینده ارتفا خواهد داشت.

◆ چرا بازی‌ها هوش را تقویت می‌کنند؟

تحقیقات نشان می‌دهد که مهارت خواندن و نوشتن در کودکان با تمرین افزایش می‌باید. همچنین افزایش هورمون ادرنالین کودک در اثر بازی کردن، به تمرکز آنها هنگام یادگیری کمک می‌کند. مدارسی که کلاس‌های آموزشی را صحیح و کلاس‌های تمرین را در انتهای روز تشکیل میدهند غصتواند شرایط بهینه ای برای یادگیری کودکان قراهم نمایند. کارشناسان برنامه‌های آموزشی دریافتند که وقتی کلاسها با یک برنامه منطبق از وزش و بازی همراه باشد کودکان در کلاس شاداب‌ترند و کمتر چرت می‌زنند.

◆ پسرها عمر مادرانشان را کوتاه می‌کنند

مطالعه‌ای نشان می‌دهد که فرزند پسر باعث کاهش عمر مادر می‌شود. دانشمندان انجام دهنده این تحقیق ادعا می‌کنند هر پسر در حدود 34 هفته از طول عمر متوسط مادرش کوتاه می‌کند و بر عکس، داشتن دخترانی که به سن بزرگسالی می‌رسند طول عمر مادر را افزایش می‌دهند.

تعداد فرزندان ربطی به طول عمر مادر ندارد، بلکه این فرزند پسر است که عمر مادر را کم می‌کند.

محققان چند توجیه برای این واقعیت فرض کرده‌اند. یکی اینکه بر اساس بافت‌های علمی ثابت شده است، جنین پسر از نظر فیزیولوژیکی بیشتر از یک جنین دختر، از بدن مادر استفاده می‌کند. اغلب نوزادان پسر رسید سرعتی در رحم مادر دارند. تحقیقاتی نشان داده که بعد از تولدیک پسر، مدت زمان بیشتری طول می‌کند تا مادر دوباره قابلیت باردار شدن داشته و فیزیولوژی بدن لو به حالت اول برگرد. دلیل دیگر این که تستوسترون (هورمون مردانه) که در جنین پسر تولید می‌شود باعث سرکوب سیستیم ایمنی مادر می‌شود. گذشته از همه اینها این فرضیه قابل قبول تر است که پسرها بیشتر از دخترها باعث عصبیت مادرانشان شده و در عین حال دخترها بیشتر از پسرها کمک کار مادرانشان هستند. پسرها بازیگوشت و شلوغتر بوده استرس بیشتری به مادرانشان وارد می‌کنند. سامولی هل بیولوژیست و رهبر گروه تحقیق چنین توصیه می‌کند:

«شما می‌توانید از ارات منفی داشتن یک پسر را با داشتن سه دختر جبران کنید!»

وقایع مهم دلیلی IT در سال 2004

کچکونه همه چیز درباره رایانه تان را ببینید؟

گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که شما به دلایل مختلفی نیاز به دانستن اطلاعاتی راجع به سیستمان دارید. در این موقع داشتیک مرجع به سیستمان دارید. در این موقع داشتیک مرجع نیتنا کامل بر احتی قابل دسترسی باشد موہب است.

ما روشنی برای دسترسی به این صنیع را به شما ارائه می‌دهیم. کافی است گزینه **Run** از منوی **start** را اجرا کرده و در قسمت **Open** عبارت **Msiinfo32** را وارد کنید. پس از این در برابر تان ظاهر می‌شود که شامل پخشهاي مختلفی است و اطلاعات کاملی از خلاصه سیستم شما از قبیل نوع پردازنده و میزان حافظه و ... تا اطلاعات کاملی درباره هر کدام از پورتهای سریال موازی و دهها مطلب دیگر

در سالی که گذشت شاهد حضور حکم اتحادیه اروپا بر ضد ماکروسافت بودیم که در قالب آن این شرکت به الحصار طلبی و استفاده از روش‌های تجاری ناعادلانه برای از میدان به در کردن رقبا متهم شده بود. هرچند ماکروسافت علیه این حکم فرجام خواهی کرد و تلاش کرد تا با برخی شاکیان خود به توافق پرسد: اما سرانجام اتحادیه اروپا عول نرم‌افزاری جهان را به پرداخت 613 میلیون دلار جریمه و عرضه تسلیه‌های جدیدی از سیستم عامل ویندوز بدون نرم‌افزار **Media player** مولف کرد.

عقب‌نشینی‌های ایتل

شرکت ایتل که زمانی به تهابی به نوآوری و طراحی استراتژی‌های تجاری می‌پرداخت، در سال 2004 مجبور شد تا از انتظارات خود بکاهدو اجرایی برخی طرح‌های جامطلبانه خود را کنار بگذارد. این امر در وهله اول حاصل ظهور رقب قدرتمندی به نام AMD بود که لذک الدک بر سرهم خود در دنیای ساخت تراشه می‌افزاید AMD با عرضه زودهنگام تراشه‌های 64 بیتی ایتل را مجبور کرد تا قبل از موعد مقرر تراشه‌های 64 بیتی سرور خود را عرضه کند احتمالا در سال اینده می‌لادی نیز شاهد زورآزمایی این دو رقب خواهیم بود.

شاهکارهای گوگل

گوگل در سال 2004 بهبیکی از خبرسازترین موتورهای جست‌وجوی جهان می‌شد این شرکت در ماه آگوست برای اولین بار سهام خود را به بازار عرضه کرد که روند صعودی آن در روزهای اول پیاری از ناظران را خوشحال کرد؛ اما طی هفته‌های بعد قیمت سهام این شرکت به نحو چشمگیری سقوط کرد. گوگل در حوزه فناوری نیز خوب‌ساز بود. این موتور جست‌وجوی نویبا با عرضه ابزار جست‌وجوی دیسک سخت کامپیوتر، سرویس پستی یک گیکایاتی **G mail** خدمات جست‌وجوی محلی، و راهاندازی سرویس‌های مانند **Google scholar** و **Google suggest** سبقت را از یاهو و MSN داشت و آنها را به تقلید از خود وادار کرد. گوگل در حال حاضر به دنبال راهاندازی سرویس جست‌وجوی تلویزیونی و تبدیل قیهست کتب مشهورترین کتابخانه‌های جهان است.

IBM واحد کامپیوتر خود را به یک شرکت چینی واگذار کرد. تنها چند هفته پیش، شرکت بزرگ IBM واحد کامپیوتر خود را به گروه چینی **Lenovo** واگذار کرد. این معامله که یعنی از یک میلیارد دلار سود برای IBM به ارمغان آورد در حالی صورت می‌گیرد که این شرکت قصد ندارد تا از ارائه خدمات و محصولات در این حوزه دست بردارد.

ترفندهای رجیستری

اگر بخواهید زمینه گرافیکی در قسمت نوار ابزار اینترنت اکسپلورر را داشته باشید، مراحل ذیل را انجام دهید:

Regedit - 1 را باز نمایند و کلید زیر را پیدا نمایند
[HKEY_CURRENT_USER\Software\Microsoft\Internet Explorer\toolbar]

2- یک مقدار رشته‌ای (string Value) جدید

اضافه نمایند و محتوای آنرا برابر با

مسیر و نام فایل از نوع **Bitmap** با پسوندش قرار

دهید (برای مثال **c:\windows\Click.bmp**)

3_ از رجیستری خارج شده و اینترنت اکسپلورر را مجددا اجرا نمایند

4_ برای حذف زمینه گرافیکی، داید مقدار **BackBitmap** را پاک نمایند.



به نقل از اینترنت

و عده هر نوع همکاری را در منع زرع، قاچاق و ترافیک مواد مخدر در سطح ولایت مریوط ایراز نمودند و بیس اطلاعات و فرهنگ ولایت هلمند گفت: از تاریخ سه قوس سال روان الی اخیر برج قوس موایی بیست هزار و یکصد و هفتاد و چهار جریب زمین درسطح ولایت هلمند توسط منسوبین قوماندانی امنیه و همکاری اهلی ان ولایت از وجود به های کوکنار پاک سازی گردیده است.

یک تبعه کشور ایران در هرات باز داشت شد
یک تبعه کشور ایران به اتهام جعلکاری در چاب بانکوت های یکصد افغانی، امروز توسط پولیس ولایت هرات گرفتار شد به گفته یک منع قوماندانی امنیه ولایت هرات اسمی محمد اکبر فرزند غلام حسن تبعه کشور ایران که امروز تحت نظرات قرار گرفت در اظهارات ایندانی خود اعتراف نموده که با استفاده از یکایه ماسنین چاب بانکوت در داخل ایران بجای و نشر این بول های جعلی مبادرت ورزیده است.

موضوع چاب و نشر بول جدید افغانستان و چک های بانکی ایرانی در پاکستان رواج داشته تعدادی از جمل کاران نیز دستگیر شده اند اما برخی از رسانه ها از نشر این خبر خودداری کرده اند

کشف دو جسد 'مومیایی شده' در افغانستان
ریاست مبارزه با تروریسم وزارت کشور افغانستان، دو جسد ظاهراً مومنایی شده ای را که اخیراً در ولایت بدخشنان کشف شده است، برای تکمیلی در موره ملی و انجام تحقیقات بر روی آنها، در اختیار وزارت اطلاعات فرهنگ قرار داد

جسد دو مرد کهنه سال لاغر اندام بازدیدیک په خند و هفتاد سانتی مت قدر در حالی که در دو تابوت چوبی بر روی لایه هایی از پتنه قرار داده شده بود در محوطه ریاست مبارزه با تروریسم وزارت کشور افغانستان، در حضور خبرنگاران، به تعایش گذاشته شد مقامات ریاست خدمت تروریسم وزارت کشور می گویند که این دو جسد مومنایی شده است و دست کم هزار سال سابقه دارد.

در بختهای از جسد ها، پوشش ترم قوه ای رنگی دیده می شد که معلوم نیست یقایی پوست انسان است یا مواد مومنایی همچنین یقایی بارچه ای که گویا کفن اجساد بوده است. تقریباً به طور پراکنده در جای خای بلن جسد ها دیده می شود انتظار می رود که کتف این دو جسد و نحوه برخورد اویله با آنها مقامات در وزارت های کشور و اطلاعات و فرهنگ افغانستان و بر آن دارد تا نسبت به حفریات غیرقانونی مناطق تاریخی و قاچاق اثار باستانی، بیشتر توجه گنند

سرود ملی کشور به تصویب رسید

در جلسه شورای تصمیم گیری گزینش و تصویب سرود ملی کشور که امروز تحت ریاست سرمه حق زلمی هیاد مل و زیر مشاور علمی و فرهنگی ریاست جمهوری دایر شد سرود ملی مردم افغانستان به تصویب رسید در این جلسه که تعدادی از اعلام، شاعران، نویسنده گان، اهنجکسان، هنرمندان و نمایندگان اقوام مختلف اشتراک نموده بودند در مورد سرود ملی در شاخته هایی و وحدت ملی مردم افغانستان صحبت گردیده با درنظرداشت نگرشی به آینده نظریات شانرا آرائه داشتند

بعد از مباحثه های علمی و فرهنگی سرود ملی کشور به ارای کل تصویب شد. در این سرود ملی به نقش هر قوم ساکن افغانستان ارج گذاشته شده، ترقی و عدالت اجتماعی که یکی از ارزش های اجتماعی است نیز منتظر گرفته شده است.

سرود ملی با درنظر داشت رهنمودهای قانون اساسی کشور تمام اقوام ساکن افغانستان را متحیث ملت یکیارچه و متحد به سطح ملی و بین المللی تمثیل می نماید و به گفته محمد اعظم رهنمودر زریاب بعضی از صریح های سرود ملی از مرحوم استاد عبد الرؤوف بینوا اقبالی گردیده و توسط حبیب الله رقیع آرش یافته است. گفتنی است که بعد از طی مرافقی تشریفاتی سرود ملی، از اهنجکسان و کمپوزیتوران دعوت به عمل میاید تا در کمیز و ساختن آهنگ همکاری نموده رسالت تاریخی شانرا لای تماشی تشکیل دیوان عالی موقع افغانستان

حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان، رئیس و اعضای استره محکمه (دیوان عالی) موقع این کشور را معرفی کرد.
آقای کرزی، فضل الهادی شیخواری را که از روحانیون محافظه کار این کشور است، در مقام رئیس دیوان عالی و قاضی القضاط حفظ کرده است. فضل الوهابه قیام الدین کشاف، سید عمر متیبه عبدالرزاق مصمم، لمگل اشرف، مرادعلی مراد محمد عظیم جلیلی و محمد هاشم صالحی نیز از سوی آقای کرزی به عنوان اعضای دیوان عالی موقع معرفی شده اند

جلسه وسیعی پیرامون منع کشت کوکنار در هلمند تدویر یافت

در این جلسه که تحت ریاست شیر محمد آخنزاوه والی ولایت هلمند و به اشتراک ولسوالان، قوماندانان امنیه، روساء دوازد دولتی و مسوولین دفتر پی، از، تی مقیم در آن ولایت تدویر یافته بود اینکه این ولایت پیرامون منع کشت کوکنار و قاچاق آن به تفصیل صحبت نموده اشتراک کننده گان را در روشنی آن قرار داد متعاقباً تی چند از اشتراک کنندگان پیرامون موضوع صحبت نموده

سید حسین موسوی

باز آفرینی تفکر دینی

ایجاد کردند نا از حاصل اندیشه هفتان بهره درباری سیاسی نمایند و اعمال ناروا و نشاست خود را صحیح و موحده ندوز عجب شان دهد. یا ناملی در حاممه امور خود معاشر، این نحوه تفکر را شاهد هستم و من بیلتم که بسیاری از افراد دیندار چنین می اندیشند. از شاده های بیماری اندیشه دینی، وجود اندیشه سکولاریسم است. یعنی از فرگیرین خطرهایی که اندیشه دینی ما را از بک فرن چیز در معرض تهدید فرار نماید و می دهد، بیش سکولاریستی درباره دین است. سکولاریسم در بک منظر بعی اندیشه ای که دین را حقیقی آن جهانی و فراخاکی می ناند و آن را با جهان حاکم و دنیای امروز نا مربوط می انگارد. سکولاریسم، بعی اعتقد به اکار بودن دین از عرصه امور اجتماعی و حما نودن نهادهای سیاسی، اقتصادی و ... از دین. در عرب این سخن که دین نوان اداره دریای جوسان و خروسان و بر ناطم حاممه صلطنه امور را ناره و می نواده آنرا آرام سازد، بیشتر به بک طبق شده است نامخ عاقله و نحوه اندیشه عربان در باب هستی و به تعییر بددگر. جهانیتی آنان و رویکرد های معرفت پنهانی و فلسفی آنان در لایانی بدگر کالاهیشان به حاممه اسلامی وارد مفهوم است و دهن عنده ای و بالاخص روش فکران را فرا گرفته است.

اندیشه سکولاریستی در حاممه عربی روشنده و بالدند است. باره ای از روش فکران که این اندیشه را در باور خود گذاشتند به ذریعه و شیخ آن در این دیار چون خاندند و الله این طرز تفکر در دهن بسیاری از صاحبینظران عربی موفر افاده. موج مدیریسم در نظر اینان جان و روح نموده است که تتواسه اند در همای اندیشه خود جایی برای حاکمیت دین نافی گذارند. کم بیستند آنان که دهن و اندیشه شان حاچگه همان بیش سکولاریستی است. حالب اینکه همه ایها، مدعی اصلاحات و احیاء اندیشه دینی در حاممه هستند. درای احیاء اندیشه دینی در عصر ما طرحی وسیع باند به اجرا در آند که مبارزه با آفات باد شده جرئی از همان طرح است. امید آنکه با نلاش بی وقه آنان که درد و سور و گذار بین دل بارند و امید عرد زندگی و جهانگرد شدن این در جهان بر اضطراب امور را در سر می چرورانند. دور بی همای دین در همه حا بیانند در سایه دین بشر می نواده آن راه تعالی خود را باریاند و به کمال واقعی خوبیش نابل گردند.

**فهم انکه اندیشه دینی
به راستی می گراید یا
به نادرستی، در گرو
علیم و نشانه هایی
است که حاممه مرده را
از حاممه زنده و سرتبا
باز می شناسد.**

احیاء نفکر دینی و باز آفرینی اندیشه دینی مذہل است که منطقه فکری خارمای از مصلحان و عالمان و روش فکران حاممه اسلامی بوده است. در طول تاریخ همواره عنده ای بوده اند که در دین ناشته اند و بـالودن و بـدرست آن از بـراجهه های ناروا و نادرست هر زمان را امدووار بوده اند سوالی که در ایندا مطرح مذکون است درباره آن به بحث می خریازیم این است که آیا به این است که دین به انسانها حالت می خشد و طراوی را که زمینه نکامل آنهاست ایجاد می کند؟ + من نا این وجود جگونه می نوان از احیاء دین سخن گفت. در خاص احیاء نفکر و اندیشه دینی است نه احیاء خود دین. خلفت دین امری ثابت، مقدس و نامن ایست و هیچگاه عار که دیگر و کنورت را نمی خبرد. دلکه ای که اکنون ناد نیان اشاره کنم این است که احیاء اندیشه دینی در روایات هم مورد تأثیر واقع شده است. در لسان امیر نیان علی عله السالم آمده است: احیوا السنه و امانوا البدهعه . آن حضرت در وصف باران محلص خود فرمودند: سنت را احیاء و بـدغت را بـمیرانند. امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز به بکی از سمعیانشان فرمودند: «احیوا امرنا» «امر مارا احیاء کنید». امداد از امر ما در کامن حضرت، همان معارف و اندیشه های دینی است از اصول اولیه احیاء اندیشه دینی این است که اسلیا اندیشه دینی متعارف و معهوم جدا می کند که نفکر دینی مسلمان مرد و باقی و هرسویه بـلشد. فهم انکه اندیشه دینی به راستی می گراید با به نادرستی، در گرو عالم و نشانه هایی است که حاممه مرده را از حاممه زنده و سرتبا باز می شناسد. دو شیوه را برای مردگی اندیشه دینی میتوان در سعد «نخست آنکه در حاممه مرده بـعلی حاممه ای که در آن اندیشه دینی آنکه در دل می شستند و راست و درست خداوند می شود ولی خلافی و راستی ها کرده و نادرست دمیانده می شود و مهور و مقرنگ می ماند. مصداق این مدعای گرایش حاممه به سوی امور خالی و غیر واقعی است گرایش به سوی اموری که همیشه طراحی خارق العالمه و محضره اسا دارند هم مصادفی دیگر از آن مدعای است این شیوه را در حاممه امور خود می بیلتم. شیوه دیگر نفکر «اعقاد گرایی» است به این مطابع که در حاممه دینی اندیشه و احتقاد را همه جذب بـنائند و برای عمل ارزشی قائل بـنائند این همان نتیری مرحله است، یعنی سازچ نسبت حاکمیت فرمادردان و حکمرانان طلام و عاصی اموی آنان گرایش مرحله را



خوبه‌ای در زهر

داستان کوتاه

سلمان باقرزاده

خش داری کشیدم بعديك مرتبه دهانم را باز کردم و با هدانيهاي سقيد و تبزم شروع به جويدن نوار پلاستيكي کردم. کاش! می توانستم از بيج گلوبس گاز بگيرم و در جا بدرم و پاره کنم او ترسيد و نوار از دستش رها شد آدمهاي بيشتری دور صحنه جمع شده بودند يكى از رفته گرها رو به مردم کرد و گفت: ((چهه تا خالا سگ تيدين؟)) اين باريکي دiger از آنها جلو دويد و می خواست وانمود کند که خيلي عصاني شده است. سر نوار را به دستش گرفت و يكيا ره با تمام زورو خسب مرا به طرف بیرون از روی آشغالها کشید.

مي خواستم ناله سر دهم اما راه گلوبم پسته شده بود. دنيا دور سرم چرخید نوار سخت پلاستيكي کاملا در موهاي گردنم نقش خودش را حک گرده بود چند بار صدای غور بريده بريده ام را ببرون دادم. بعد اوس نوار را رها کردم کم حلقة دور گردنم سست شد و تواليستم نفس يكشم. خدا را شکر کردم که هنوز زلده ام، پيش خود فکر کردم بهترین کار در حال حاضر سکوت است و وانمود کم که دiger مرده ام و به من کاري نداشته باشد. آنها در حالی که دستش دستشان بود، يك گونه بزرگ آوردن. هرگنس جيزي

مي گفت: بيجاره پخدر زجر کشيد.

به نظرم صحنه خيلي زنده و جالبي بود نه!

ازه ادم اينجور صحنه ها کمتر گيرش می ايد تا بيمد رفتنگ سر کيسه را باز گرده و توسط بيل و دست شان مرا داخل آن قوار دادند و من هم حرکتني از خود نشان نمی دادم يا کمک هم مرا داخل ماشين الداخليت و بعد تند تند آشغالها را داخل ماشين ريختند از داخل ماشين سنای عابرين رامي شنيلم

— الان شايد عزراييل دارد قبض روحش می کند

— خير عمو جان عزراييل فقط آدمها را قبض روح می گند نه حيوانات را — ولی خب سگ هم که روح دارد

چند تاين هم قاه قاه خنديتند.

— تا حالا تشنيتم سگ هم روح دارد — ولی بيجاره حيف شد سگ جوانی بود

ديگر روی آشغال خيابان آشغالی تعانده بود. همه جا پاک پاک شده بود و من در بين انبوهی از آشغالها داخل يك کيسه سفيد پلاستيكي دراز کشیده بودم و بوی متعفنی که از هر سویم می آمد مشاهم را می ازد بده من می گفتند سگ نجس است ولی من از کثافات و نجاسات مختلف و بizarم. ولی کسی بلوغ نداشت. به اين خاطر که يك سگ هستم و يك سگ، سگ است. به نظر انها چه فرقی می گند. ماشين حامل زباله در حرکت بود و می رفت تا آنها را به محل دفن زباله برساند.

فقط توانستم خودم را از وسط خيابان روی آشغالها و بر مرغها برسانم. هوا داشت کم کم روشن می شد

ناگهان صدای کامپوتوی که کثار من تگه داشت شنیده شد و چند نفر بيل و جارو بذست از آن بیاده شدند. بعد از کمی بگو و ايستاند کنار من يكى از آنها چند بار با عصبانیت گفت: بلند شو، بلندشو. اما من بدون توجه به گفته هاي او هيجگونه تکانی تخروده و خيره خيره به طرفش نگاه کردم و در گلم گفتم: بى انصاف کمی رحم داشته باش. سرعت ماشين خيلي زياد بود يكى از آدمهاي مثل تو اين روزگار را سرم آورده است. ولی او به وضع من ترجمي نکردو بيل را گذاشت زير سرم و با احتیاط سرم را بلند کرد و با غصب بيشتر گفت: زود باش، بلند شو لعنتي، بلند شو ديرو شد

ملتمسانه زوجه غربي کشیدم: عمو... عمو... عمو... نمي دلم يا چه زيانی باید به شما حالی کنم، يكى از شما آدمها اين بالارا سرم آورده تو را به خدا رحم کن! کارم نداشته باش ادا پاي عقیم خيلي درد می کند. باور کن سرعت ماشين خيلي زياد بود. بعد يكى از همکارانش گفت: اصغر لا مذهب زود بلندش کن، باید آشغالها را زود پار کنیم والا رئیس منطقه قالش در میاد ها

— خوب چه کار کنم بى شعور تقیم بلند تمیشه بعد دندنهايش را با تعام شدت خشم روی هم فشار داد و با ثاراحتی تمام چند لگد به گردنم حواله کرد. آهي کشیدم. ديدم دiger جاره الى نیست. خلایا خودت کمکم گن و با تعام توانی که در وجودم باقی مانده بود خواستم روی دو پاي گلوبم بلند شوم، ولی به دليل درد زیاد، دوباره روی آشغالها افتادم.

و تند تند به نفس افتدام. در همين لحظه يكى به غير از رفتنگها جلو آمد و گفت: اخ بيجاره تصادف گرده، اين بلند خدا را تياد اذت نکنید. معلوم نیست کدام از خدابي خيری به اين روزش الداخليه او بعد از کمی تعماشا کردن و لذت بردن راهش را کشید و رفت. هوا دiger کمی بيشتر روشن شده بود و عده زیادتری دور من جمع شده بودند يكى از رفته گرها نوار بلاستيكي سخت و محکمی را از روی آشغالها برداشت و با فاحله و احتیاط آنرا دور گردن من حلقة کرد. خدای من اين دیوشه عوضی، دستی دستی می خواهد مرا خفه گند. حلقة نوار داشت. دور موهاي گردنم تگ تر می شد و مردم هم با چشماني از حدقه در آمده بيشتر به من خيره شدند او مرا به سمت خودش می کشید

کم کم احساس خفه گي می گردم. حلقة داشت دور گردن من تنگ و تنگ تر می شد باید کاري هيکردم چشمانت را تبز کردم زوجه



حدا

۶۰

مرا از چهار زندان بزرگ انسان؛ طبیعت، تاریخ، جامعه و
فویشتن، رها کن، تا آنچنان که تو، توای آفریدگار من، مرا
آفریده ای - فود آفریدگار فود باشم.

نه که فود را با محیط، که محیط را با فود، تطبیق دهم.
خدا! شهرت، منی را که من فواهم باشم، قربانی منی که
من فواهند باشم، نکند.

خدا! به من قدرت تمدن عقیده مخالف ارزانی دار.
خدا! به جامعه ام بیاموز که تنها راه به سوی تو، از زمین
من گذرد، اما به من بیراهه ای میان بر را نشان بده.

خدا! فودفواهی را چندان در من بکش، یا چندان برکش، تا
فودفواهی دیگران را احساس نکنم و از آن در رنج نباشم.
خدا! عقیده مرا از دست عقده ام مصون بدار.

خدا! مرا از همه فضایلی که به کار مرده نیاید محروم ساز
خدا! به من که سرمایه ام امید به توسّت، رحم کن.

click
Magazine

دوباخ میز مر

کلکچر باخت

چال

ستون بسته تو من
خوش جان باخت

کلکچر باخت

اسود